

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم با استماع گزارش هیات سیاسی که توسط رفیق فرخ نکهدار ایراد گردید کار خود را آغاز کرد. وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از: الف - بررسی گزارش هیات سیاسی و تصویب قرار انتشار آن.

- گزارش هیات سیاسی مشتمل بود بر فصول زیر،
- ۱- گزارش مختصر درباره اوضاع جهان و منطقه
- ۲- گزارش وضع کشور
- ۳- گزارش فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان در فاصله دو پلنوم
- ۴- گزارش در باره امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۵- گزارش کار کمیسیون های برنامه و اسانامه

پلنوم در این بخش از دستور کار خود وظایف سازمان در پیشبرد مبارزه انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه تحقق آماج های راهی بخش طبقه کارگر ایران را دقت بخشید و برای پیروزی های تازه راه گشود.

ب، بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱.

پلنوم اسناد ارائه شده در زمینه بررسی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار داد و پس از اصلاحات لازم به تصویب رساند. پلنوم با تصویب یک رشته ترمای مهم در زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و خط مشی سازمان در هر مقطع، در باره یکی از مهمترین دوره های فعالیت و حیات انقلابی سازمان (سال های ۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار انتشار آن را صادر کرد. پلنوم در این قضاوت خلل خود، فدائیان خلق را به تسخیر آینده، به تجهیز هر چه بیشتر خود به مارکسیسم - لنینیسم و جستجوی راه های موثرتر تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فرا خواند.

بقیه در صفحه ۲

در فروردین ماه سال ۱۳۶۵ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای دعوت شده از سوی هیات سیاسی تشکیل گردید و در محیط هم فکری و بررسی خللک مسایل، وظایفی را که در دستور داشت پیروزمندانه به انجام رساند. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن نیروبخش فدائیان خلق و همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در پیکار علیه رژیم پلید خمینی و امپریالیسم جهانخواار خواهد بود.



دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۵ برابر ۲ ژوئن ۱۹۸۶ به ۶۰ ریسال سال سوم شماره ۱۰۹

پاریس - تهران

"عادی شدن روابط به چه قیمت؟"

رسانه های فرانسوی پدنیال دیدار علیرضا معیری معاون نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی به تفسیر و تشریح نتایج آن پرداخته اند. معیری که در گذشته به مدت یکسال و نیم کاردارسفارت ایران در پاریس بود، در تهران به مقابله کارشناس امور فرانسه شناخته می شود. وی در سفر اخیر به پاریس با فرانسوا میتران رئیس جمهور، ژاک شیراک نخست وزیر، شایان دلماس رئیس مجلس، ریسون وزیر خارجه فرانسه و نیز بالورکانوگ دبیرکل یکی از احزاب راستگرای حاکم (حزب ژیسکاردستن رئیس جمهور سابق) ملاقات و مذاکره داشت.

راستارزیایی می کنند. به گزارش رسانه های فرانسوی، حداکثر تقاضای معیری از دولت فرانسه در این زمینه "بیطرفی مثبت" بود. معیری در گفتگو با خبرنگاران "بیطرفی مثبت" را پدین معنی دانست که دولت فرانسه قرارداد تسلیحاتی تازه ای با عراق منعقد نکند. تلقی محافل دیپلماتیک از این سخنان این است که از نظر رژیم جمهوری اسلامی اجرای مفاد قرارداد های تسلیحاتی متعدد در از مدت موجود میان فرانسه و عراق، نافی "بیطرفی مثبت" نیست. دولت ایران آمادگی "نادیده گرفتن" صدور سیل تسلیحات فرانسوی به عراق را دارد. انحصارات فرانسوی می توانند اطمینان داشته باشند که رژیم جمهوری اسلامی منافع آنان را در این زمینه نیز محترم می شناسد. اما در عین حال این رژیم اصرار دارد که برای اعمال فشار بر اپوزیسیون مترقی ایرانی مقیم فرانسه اقدام عملی صورت گیرد و هم چنین می خواهد راهی برای حل و فصل اختلاف با "ارودیف" در زمینه

بقیه در صفحه ۲

به نوشته مطبوعات فرانسه، مقامات فرانسوی در مذاکرات، به معیری تفهیم کرده اند که حاضر نیستند در مناسبات خود با دولت عراق دگرگونی پدید آورند. روزنامه فیکارو در روز ۲۳ مه از قول ژاک شیراک نوشت که پاریس "به هیچ وجه" در نظر ندارد هیچ نوع تغییری در مناسباتش با بغداد ایجاد کند. مفسرین سیاسی، دیدار آتی طارق عزیز معاون رئیس جمهور عراق را از پاریس نشانه ای در همین

شکاف در مناسبات تهران و دمشق

بخش هائی از مصاحبه اخیر حافظ اسد رئیس جمهور سوریه با خبرنگاران و نشریات آمریکائی واشنگتن پست و هارلد تریبون در روزنامه کیهان ۲۹ اردیبهشت درج گردید. حافظ اسد در این مصاحبه از جمله به پرسش هائی پیرامون مناسبات با رژیم جمهوری اسلامی و مسئله جنگ ایران و عراق و دیگر مسائلی که با کارکرد این رژیم در منطقه مربوط می شود، پاسخ گفت که روزنامه کیهان تنها چند سطر این بخش از مطالب را بازتاب داد.

رئیس جمهور سوریه در این مصاحبه با یادآوری مسافرت اخیر وزیر امور خارجه سوریه به تهران، گفت که "سفر فاروق الشرع به تهران برای جلوگیری از گسترش جنگ عراق و ایران صورت گرفته است و مادر این زمینه موفق بوده ایم." این سخنان

حافظ اسد پدین معنی است که از نظر دولت سوریه، رژیم جمهوری اسلامی در ماه گذشته پیش از سفر فاروق الشرع، در صدد گسترش جنگ بوده است و تنها مداخله سوریه توانسته است جلوی آن را بگیرد؛ علاوه بر این در هفته های اخیر رسانه های بین المللی گزارشات دیگری نیز منتشر کرده اند که از وجود موارد متعددی از اختلاف نظر میان تهران و دمشق حکایت می کند. از جمله این موارد، تحریکات خشونت بار و مفسده جوئی های "حزب الله" در لبنان است که علیه نیروهای مترقی لبنان و فلسطین و دولت سوریه صورت می گیرد. رئیس جمهور سوریه در این مصاحبه با عنوان "مسائل ما و حزب الله" بر این امر انگشت نهاد. بقیه در صفحه ۲

مصاحبه "اکثریت" با ایندرا جیت گوپتا

نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

تارگری این کشور بود. اما پس از آن تحت تاثیر چند انشعاب در سازمان سیاسی طبقه کارگر و انشعابات و اختلافات در دیگر سازمانهای سیاسی قرار گرفت. اکنون چند تشکل کارگری دیگر نیز وجود دارد که از جمله آنها می توان از "شورای مرکزی اتحادیه کارگری هند" نام برد.

در سالهای اخیر روند مثبتی در مناسبات میان این تشکل ها پدیدار شده است. رفیق گوپتا از این امر با رضایت و امیدواری یاد کرد. وی گفت که مناسبات میان شورای سراسری و شورای مرکزی بهتر از گذشته است که تجلی آن برگزاری مشترک جشن های اول ماه مه در سال جاری است. علاوه بقیه در صفحه ۵

خبرنگار اکثریت گفتگوی با ایندراجیت گوپتا نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری به عمل آورد. رفیق ایندراجیت گوپتا در عین حال عضو هیات دبیران حزب کمونیست هند، دبیرکل "شورای سراسری اتحادیه های کارگری هند" و نماینده مردم در پارلمان هند وستان است.

بخش آغازین این گفتگو به تشریح موقعیت طبقه کارگر هند و سیاست ها و عملکرد شورای سراسری اتحادیه های کارگری هند اختصاص داشت. شورای سراسری اتحادیه های کارگری هند در سال ۱۹۲۰ در بمبئی پایه گذاری شد و تا سال ۱۹۴۷ یعنی سال استقلال هند تنها اتحادیه

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه اول

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپس امر خطیر وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران را مورد بررسی قرارداد.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، به ویژه در وضعیت فعلی جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران اهمیت فوق العاده قابل شد و با صدور قطعنامه ای جامع وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد.

نظر به اهمیت تصریح مواضع سازمان در زمینه تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک مادر این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد به طور جداگانه قطعنامه ای صادر کرد.

پلنوم در این بخش، وظایف

سازمان در مبارزه بخاطر صلح و دموکراسی و برای سوسیالیسم را دقت بخشید و با وضوح تازه وظایف سازمان ما در راه تامین اتحاد همه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد.

در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند و از این طریق در زمینه های مختلف پلنوم وسیع را در جهت انجام وظایف خود یاری دادند. پلنوم در فضای ایدئولوژیک و سیاسی بسیار فعال و مشارکت موثر همه شرکت کنندگان برگزار کردید.

در پایان پلنوم، انتخابات برای برگماری اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبال آن انتخابات

برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران و دبیر اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق فرخ نگهدار را به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار شد که رژیم ترور و اختناق خمینی بیداد می کند. برگزاری این پلنوم وسیع مشت محکمی بود بردهان پیاوه گویان رژیم که مدعی غلبه بر جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما هستند. پلنوم پیوند میان دستگاه رهبری و تشکیلات را مستحکم تر کرد. پلنوم نیروی فدائیان خلق را در مبارزه علیه رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی گمان یک نقطه

عطف در حیات انقلابی سازمان ماست. امروز فدائیان خلق ایران در هر کجا که باشند نیرومندتر از پیش و با ایمانی والا تر نسبت به سازمان و اهداف و آرمان های انقلابی خویش، با همه هستی خود در راه تحقق تصمیمات و آماج هایی که پلنوم فراروی سازمان قرار داده است، تا به آخر خواهند رزمید.

با ایمان به پیروزی راهمان
دبیرخانه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

* اسناد مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شماره آینده کار به چاپ می رسد.

بقیه از صفحه اول

پاریس = تهران

"عادی شدن روابط به چه قیمت؟"

مطالبات معوقه دولت ایران یافته شود.

دنی بودوشن سخنگوی نخست وزیر فرانسه اعلام داشت که توافق بر سر این دو مسئله ممکن است. وی پس از دیدار معیری و شیراک به خبرنگاران گفت این دیدار "ملاقات بسیار مثبتی بوده است" و افزود "گفتگو باندازه کافی پیشرفت داشت. در رابطه با اختلافات مالی و وضعیت برخی ایرانیان در فرانسه شریخش بود." روزنامه لیبراسیون نیز در روز ۲۲ ماه مه این امر را تایید کرد و نوشت "در باره پناهندگان و وام، نه در مورد جنگ ایران و عراق" موافقت هایی صورت گرفته است.

ساخت و پاخت رژیم جمهوری اسلامی و دولت امپریالیستی فرانسه با واکنش منفی نیروهای مترقی در فرانسه روبرو شده است. در این زمینه روزنامه اومانیتیه ارکان حزب کمونیست فرانسه در روز جمعه گذشته با اشاره به سخنان دنی بودوشن نوشت که اکنون "معلوم می شود عادی شدن روابط دو کشور به چه بهایی صورت می پذیرد."

در زمینه هر چه محدودتر کردن اپوزیسیون مترقی ایرانی در فرانسه، دولت این کشور قول انجام اقدامات معینی را داده است. مطبوعات فرانسوی خیز داده اند که اجرای مفاد قراردادی در دست بررسی است که در

باید توسط "نخستی با شرکت کارشناسان دو کشور صورت گیرد"

سخنان شیراک و شرط مطرح شده آشکارا باج بگیری است. در صورت پذیرش این شرط، مطالبات ایران از فرانسه به همان سرنوشت مطالبات ایران از آمریکا دچار خواهد شد که بدنبال پذیرش شروط پیمانیه الجزایر صرف پرداخت خسارت به کمپانی های آمریکایی گردیده است. اظهار نظر روزنامه لیبراسیون مبنی بر کسب توافق هایی در زمینه بدهی اردویدف، سخنان دنی بودوشن که در مذاکره در مورد دو مسئله وام و پناهندگان "گفتگو با اندازه کافی پیشرفت داشت" و نیز گفته معیری مبنی بر "برخورد مثبت" مقامات فرانسوی با این دو مسئله، به معنی این است که جمهوری اسلامی خود را آماده نشان داده است که حول "راه حل" پیشنهادی شیراک گفتگو پیش برود.

به این ترتیب دولت دست راستی فرانسه با تحمیل محدودیت بیشتر برای سازمانهای مترقی ایرانی در فرانسه (که تاکید اصلی طرف ایرانی روی آن بود) اکنون با خوش بینی بیشتری به گسترش نفوذ خود و افزایش سهم غارتگرانه انحصارات فرانسوی در ایران چشم دوخته است. اکنون آشکار می شود که طرفین برای عادی سازی روابط چه پرداخته اند و چه دریافت کرده اند.

جمهوری اسلامی برای نشان دادن "حسن نیت" خود یک قلم از نیم میلیارد دلار بدهی اردویدف صرف نظر کرده است، تا راه حل و فصل این مورد اختلاف هموار شود. مطالبات ایران از اردویدف (کمیساریای انرژی اتمی اروپایی) مربوط به وام ایران در سال ۱۹۷۵ به این شرکت است. اما شرکت فرانسوی پس از انقلاب از بازپرداخت این وام خودداری کرده و قلدرا مانده آن را بالا کشید.

مقامات ایرانی پیرامون نتایج مذاکره در مورد مطالبات ایران از اردویدف، نظری منفی ابراز نکرده اند. این در حالی است که مقامات فرانسوی تقریباً با صراحت اعلام داشته اند که حاضر به بازپرداخت آن نخواهند شد. ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه گفت بازپرداخت این مبلغ، بدان منوط است که جمهوری اسلامی به کمپانی های فرانسوی که در ایران کار می کردند، خسارت بپردازد. روزنامه فیکارو نوشت که شیراک گفته است در بررسی این مسئله "باید خسارتی را که به موسسات فرانسوی بدنبال لغوبرخی قرار دادهای مهم وارد شده است نیز به حساب آورد." به نوشته فیکارو حل و فصل "خسارات موسسات فرانسوی"

سال ۱۹۷۴ میان دولت فرانسه و رژیم شاه در زمینه "تحويل مجرمین" منعقد گردیده بود. ژاک شیراک در گفتگویی با خبرنگاران، بی آنکه نحوه اقدامات دولت فرانسه را در این مورد تصریح کند، گفت "ما خواهیم دید که چه کاری می توان کرد" تا برخی "زباده روی" های پناهندگان ایرانی محدود شود و آنها به عدم فعالیت سیاسی که می بایستی در خاک فرانسه پیشه می کردند، وادار شوند. علاوه بر این مطبوعات فرانسوی اعلام داشته اند که بزودی مجلس فرانسه لایحه ای را که در هیات دولت تصویب شده است، برای تصویب نهایی مورد بررسی قرار خواهد داد. گفته می شود که این لایحه به منظور یافتن مبنایی برای اخراج مخالفین فعال دولت هایی که فرانسه با آنها رابطه دارد، تنظیم گردیده است.

مفاد گزارش رسانه ها حاکی از این است که مذاکره پیرامون بدهی شرکت فرانسوی اردویدف به دولت ایران، مطابق شروط طرف فرانسوی پیش رفته است. مقامات ایرانی تا کنون مبلغ این بدهی را یک میلیارد دلار اعلام داشته اند. اما روزنامه فیکارو آن را ۱/۵ میلیارد دلار برآورد کرده است. ظاهراً دولت

یاد فدایی خلق قربانعلی مؤذنی پور جاودانه است

دو سال از شهادت قهرمانانه فدایی خلق، رفیق قربانعلی مؤذنی پور گذشت. در خرداد ماه سال ۱۳۶۳ رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی رفیق مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان را به شهادت رساند.

با شهادت رفیق مؤذنی پور (احمد) طبقه کارگر ایران یک رهرو و رزمنده پر ارج و سازمان ما، یک انقلابی پر شور، یک تکیه گاه مطمئن و یک سازمانگر برجسته را از دست داد. رفیق مؤذنی پور همه خصائل یک انسان

طراز نوین، یک کمونیست رزمنده را دارا بود. او سمبلی از یک مبارز فدایی و الگویی جاودانه برای همزمانش است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور طی اطلاعیه ای نوشت: "دشمنان مردم، دژخیمان بیخرد و زبونی که برآند تا درخت بی برگ و ریشه و از پیش مرده هستی خود را با خون جوانان وطن

سیراب کنند بار دیگر در برابر عزم و رزم ما به ستوه آمدند و خوار شدند و خاک کور خود را بر سیمای اهریمنی خویش پاشیدند...

فدائیان خلق، در میدانهای رزم انقلابی میثاق خویش را با شهید کمیته مرکزی خود تجدید می کنند. شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور و صدها تن دیگر از رهبران و رزمندگان فدایی نشان شورانگیز میثاق فداییان با خلق ایران است*

شکاف در مناسبات...

بقیه از صفحه اول

رژیم خمینی که پشتیبان فعال "حزب الله" است در مجامع و محافل بین المللی مسئول مستقیم آنان شناخته می شود.

سخنان اخیر حافظ اسد، خشم دولتمردان جمهوری اسلامی را برانگیخته است و بدنبال آن در هفته گذشته روزنامه رسالت طی مقاله ای به دولت سوریه حمله کرد. این نخستین نشانه علنی سردی مناسبات میان دولت سوریه و رژیم جمهوری اسلامی است.

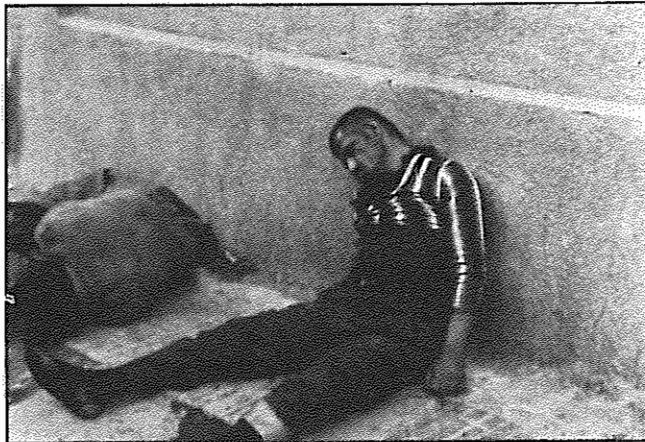
علاوه بر این حافظ اسد روز شنبه سوم خردادماه در دمشق با ملک حسین دیدار کرد. این دومین دیدار این دو تن در طی سه هفته اخیر بوده است. ملاقات اخیر بدنبال بازگشت ملک حسین از بغداد صورت گرفت. ملک حسین در بغداد با صدام حسین مذاکره داشت. از آنجا که مذاکره صدام حسین و ملک حسین کمی پس از ملاقات نخست حافظ اسد و ملک حسین صورت می گیرد، محافل دیپلماتیک و رسانه های بین المللی آنرا میانجیگری ملک حسین برای تخفیف اختلاف دو دولت سوریه و عراق تلقی کرده اند. دیدار ملک حسین از دمشق پس از بازگشت از بغداد نشانه دیگری در همین راستا بشمار می آید.

انتشار این اخبار در تهران در میان سران حکومت خمینی نگرانی شدیدی بهار آورده است. روزنامه اطلاعات که خبر این ملاقاتها را بازتاب می داد تایید کرد که دیدار ملک حسین از دمشق "در چارچوب میانجیگری اردن، بین سوریه و عراق قرار دارد."

ملک حسین پیش از دیدار با اسد باحسبی مبارک رئیس جمهوری مصر در بندر اردنی "عقبه" ملاقات و گفتگو کرد. وی هم چنین در هفته جاری راهی واشنگتن خواهد شد. رسانه های گروهی خیر داده اند که وی در سر راه در پاریس توقف خواهد داشت و با مقامات گفتگو خواهد کرد. در ادامه این دیدارها در هفته های آتی، طارق عزیز معاون رئیس جمهور عراق به منظور مذاکره با دولتمردان فرانسوی روانه پاریس می شود.

از جانب سوریه در روزهای گذشته دو هیات به عربستان سعودی اعزام شدند. این دو هیات رادومقام عالیرتبه سوری، عبدالحمید خدام و فاروق الشرع سرپرستی می کردند. این دو در ریاض با ملک فهد مذاکره کردند. بنابه گزارش های منتشره در مطبوعات عربی، در تمامی این دیدارها علاوه بر مسائل عمومی جهان عرب، مسئله جنگ ایران و عراق و مناسبات دولت سوریه با رژیم های عراق و ایران در دستور کار قرار داشته است.

دیواعتیاد، مدام قدرت بیشتری می یابد



در ایران دیو اعتیاد مدام قدرت بیشتری می یابد. بنا به گزارش "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل متحد، در ایران حداقل ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و ۱۰۰ هزار نفر به هروئین معتادند. این آمار متعلق به دو سال پیش است. اکنون باید از رقمی نزدیک به دو میلیون سخن گفت.

اکنون در کوشه و کنار تهران و دیگر شهرهای ایران مناظر دردناکی از این دست که در دو تصویر این نوشته دیده می شود، بسیار به چشم می خورد. در هنگام عبور از خیابان ها، چه بسیار جوانانی به چشم می خورند که پزمرده و نحیف، تکیه بر دیوار داده و در حالت اغما فرو رفته اند. در جلوی چشم، هروئین و تریاک رد و بدل می شود و در کوچه ها همانگونه که در عکس می بینید بساط هروئین کشی برپاست.

نوجوانان و دانش آموزان نیز از آفت اعتیاد مصون نمانده اند. در

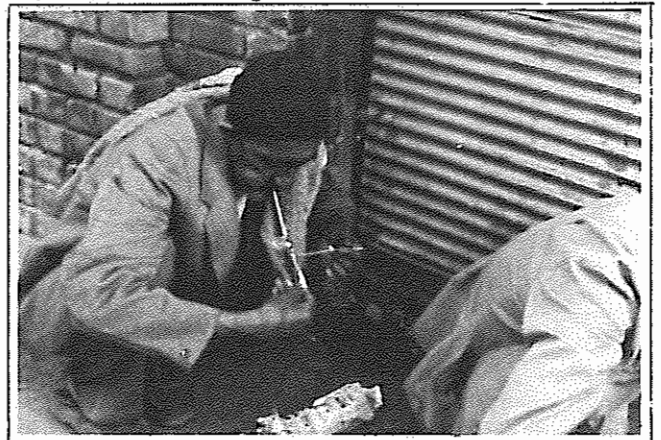
باقی ماندن آنها "انگیزه" فراهم سازد. در یکی از نامه هایی که از تهران برای ما فرستاده شده است چنین می خوانیم

"...به پارک لاله رفته بودم و قدم می زدم، در قسمت های پرت پارک در هر ده پانزده قدم بی اغراق سی و چهل آمبول مصرف شده می دیدم که معتادین پس از تزریق هروئین آنها را در زیر درختها و بوته گلها پرت کرده بودند... همه می دانند که بیشتر آنها در چپه جنگ و در دوره سربازی معتاد شدند."

گسترش وسیع مواد مخدر از جمله آفتهایی است که جمهوری اسلامی به ارمغان آورده است. عوامل رژیم در کمیته و سپاه، خود از جمله پخش کنندگان عمده مواد مخدر محسوب می شوند. عوارض اجتماعی و روانی حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی زمینه ساز گسترش اعتیاد تا این حد فاجعه آمیز می باشد. (عکس ها از خبرنگاران نشریه "اکثریت")

مدارس نیز - بویژه در سیستان و بلوچستان - نوجوانان زیادی به چشم می خورند که به مواد مخدر معتاد گشته اند.

در چپه ها، هروئین و حشیش به وفور یافت می شود. رژیم آگاهانه در میان سربازان و بسیجی ها مواد مخدر پخش می کند، تا در کنار دیگر عوامل تخدیر کننده، برای در چپه



از سرگیری عملیات در فاو

در آغاز هفته گذشته نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در منطقه عملیاتی والفجر ۸ (فاو) عملیاتی صورت دادند. با آنکه ستاد مشترک جنگ جمهوری اسلامی این عملیات را "موفقیت آمیز" اعلام کرده بود، سختکوی دولت عراق اظهار داشت که حمله جمهوری اسلامی را در این منطقه خنثی کرده و تلفات سنگینی به نیروهای ایران وارد ساخته است. عراق متقابلاً مدعی شد که در منطقه عملیاتی والفجر ۹ واقع در جبهه شمالی، به مواضع جمهوری اسلامی حمله برده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی مدعی است که یک فروند جنگنده عراقی را سرنوگون کرده و در منطقه فکه، نیروهای عراقی را کاملاً شکست داده است.

از سوی دیگر خامنه‌ای رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه روز ۹ خرداد ماه اعلام کرد که هدف از گردآوری نیرو در جبهه‌ها برای یکسره کردن کار جنگ می‌باشد. باید افزود که تدارکات رژیم جمهوری اسلامی به منظور بسیج و اعزام نیرو به جبهه در هفته گذشته نیز ادامه یافت.

روز دوشنبه ۵ خرداد ماه ستاد مشترک جنگ جمهوری اسلامی اعلام کرد که یک ناوچه چینی عراق را در حوالی خورعیدالله مورد حمله قرار داده است. از سوی دیگر عراق اعلام کرد که به یک نفتکش بزرگ در نزدیکی سواحل ایران حمله کرده است. هفته گذشته دولت عراق ادعا کرده بود که به یک نفتکش بزرگ ۲۰ میلیون دلاری قبرسی که تحت اجاره جمهوری اسلامی بوده و از آن برای انتقال نفت از خارک به جزیره سیری استفاده می‌شد، حمله کرده و به آن خسارت زیادی وارد ساخته است.

در هفته گذشته سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که نیروی هوایی آن کشور، بار دیگر تاسیسات نفتی خارک را بمباران کرده است. از جانب دیگر عراق مدعی شد که تاسیسات نفتی ایران در حوالی شوشتر و دزفول نیز بمباران شده است.

پیام خصوصی

ملک فهد پیرای میر حسین موسوی

علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر کمی پس از بازگشت از سفر فرانسه، در تهران با کاردار سفارت عربستان سعودی دیدار کرد. معیری در این دیدار پیام خصوصی ملک فهد را برای نخست وزیر

جمهوری اسلامی از کاردار سفارت عربستان دریافت داشت. رادیوی جمهوری اسلامی که در روز ۷ خرداد این خبر را منتشر ساخت از مضمون این پیام هیچ خبری ارائه نکرد.

صد و نرفت ارزان به ترکیه

روزنامه اطلاعات ۲۸ اردیبهشت ماه (به نقل از خبرگزاری "آنتولی" ترکیه) گزارش داد که جمهوری اسلامی ایران از این پس نفت را بر اساس قرارداد "نت بک" به ترکیه می‌فروشد. در این خبر از قول رییس خزانه‌داری و مسئول تجارت خارجی ترکیه آمده است که، "ترکیه توانسته است پس از مذاکرات طولانی به ایران، موافقت آن کشور در مورد فروش نفت خام به صورت "نت بک" را کسب نماید." باید افزود که اعلام رسمی قرارداد فروش نفت ارزان در رسانه‌های دولتی در ارتباط با سخنان اخیر رفسنجانی مبنی بر فروش گسترده نفت ارزان بوده است.

روستائیان

۴۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند

سرویس اقتصادی روزنامه کیهان اول خرداد ماه، طی گزارشی آمارهای مربوط به بخش کشاورزی را اعلام نمود. بر اساس آمارهای ارائه شده، در سال ۱۹/۲۱۲۶۲ میلیون نفر از جمعیت ۴۰ میلیونی کشور در روستاها زندگی می‌کردند. سهم تولیدی این بخش از جمعیت در کل تولید ناخالص ملی، ۱۴ درصد اعلام شده است. در این گزارش آمده است که جمعیت روستائی که در سال ۱۳۴۵، بالغ بر ۶۲ درصد کل جمعیت کشور بود در سال ۱۳۶۴ تا حد ۴۵ درصد کل جمعیت تنزل یافته است.

۵۸۲ هزار دواطلب شرکت در کنکور

کیهان ۲۹ اردیبهشت به نقل از میر شمس مدیر کل کزینش دانشجو اعلام کرد که ۵۸۲ هزار نفر دواطلب شرکت در کنکور امسال می‌باشند. بر اساس گزارش فوق از بین این تعداد دواطلب تنها ۴۲ هزار نفر بعنوان دانشجو پذیرفته خواهند شد. بدین ترتیب تعداد پذیرفته شدگان آزمون سراسری سال جاری، قریب به ۷ درصد کل شرکت کنندگان این آزمون خواهد بود. بخش عمده‌ای از ظرفیت

گرانی پیدامی کند



در ماههای اخیر، گرانی به حد بیسابقه‌ای افزایش یافته است. نرخ چند قلم از میوه‌های موجود در بازار تهران را روزنامه دولتی چنین اعلام کرده‌اند.

خیار	۴۵۰-۴۰۰ ریال
هندوانه	۱۸۰-۱۴۰ ریال
کیلاس	۱۲۰۰ ریال
سیب زمینی	۲۵۰ ریال
پیاز	۱۸۰ ریال

(واحد یک کیلوگرم)

دانشگاهها رسماً به وابستگی و یا معرفی شدگان نهادهای حکومتی اختصاص داده شده است. باین ترتیب امکان قبولی داوطلبان ورود به دانشگاه بسیار کمتر از ۷ درصد خواهد بود.

آزمون سراسری امسال در اوایل تیر ماه، برگزار می‌شود. این آزمون ۲ روز ادامه می‌یابد و داوطلبان در این مدت به ۲۰۰ سؤال عمومی و نزدیک به ۲۰۰ سؤال اختصاصی پاسخ خواهند داد. در قسمت پرسشهای عمومی، ۷۰ سؤال به مسائل فقهی و زبان عربی اختصاص دارد.

کنترل گرانفروشی ناممکن است

حجت الاسلام رمضان سیرست دادسرای انقلاب اسلامی در امور اقتصادی طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که کنترل گرانفروشی توسط ارگانهای دولتی در جمهوری اسلامی ناممکن است. وی با اشاره باینکه بهای ارز پرداختی کالاها و وارداتی سه گانه است اعلام کرد که تجار در نرخ گذاری کالاها در هر صورت بهای ارز در بازار آزاد را مبنای قرار می‌دهند. وی نتیجه گرفت: "وقتی که قیمت کالاها معین نباشد و ورود کالا هم با سه نوع ارز باشد وضع بازار بهتر از این نمی‌شود." نامبرده همچنین فاش ساخت که اجناس زیادی بدون اطلاع وزارت بازرگانی وارد گمرک شده و ترخیص می‌شوند؛ "اجناس زیادی وارد گمرک می‌کنند در صورتی که اصلاً اسمی از این کالاها در وزارت بازرگانی نیست. آنها با مهر قلابی جنس را وارد گمرک می‌کنند. وقتی از گمرک آمد بیرون هیچ اداره‌ای روی آن نظارت نمی‌کند."

لپه‌های فاسد "بازسازی" می‌شوند!

یک شرکت دلال ایرانی به نمایندگی از سوی یک شرکت واسطه مقیم سنکاپور هزاران تن لپه فاسد را وارد ایران کرده است. بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲۷ اردیبهشت کارشناسان لپه‌های مزبور را به علت خشره‌زدگی غیرقابل مصرف عمومی تشخیص داده‌اند. در گزارش روزنامه کیهان قید شده است که لپه‌های مزبور پس از "بازسازی" کبسه‌گیری و توزیع خواهند شد.

اخبار کوتاه

* مدیر عامل شرکت سهامی فرش ایران روز ۲۲ اردیبهشت ماه اعلام کرد که در مقطع سال ۸۰۰، ۶۰ هزار کارگاه قالی بافی در سطح روستاهای کشور وجود داشته که در حدود یک میلیون نفر قالی‌باف در آن مشغول به کار بوده‌اند.

* معاون نخست وزیر و سرپرست "بنیاد مستضعفان" اعلام کرد که جمع دارائی‌های بنیاد در سراسر کشور ۴۸۱ میلیارد ریال بوده و بدهی‌های بنیاد نیز از مرز ۲۲۰ میلیارد ریال گذشته است.

* کمیته آرد امن مطبوعات دولتی رانیز گرفته است. روزنامه اطلاعات در روز ۲۴ اردیبهشت اعلام داشت که "بعلت کاهش درآمد ارزی" از این پس این روزنامه با صفحات کمتری منتشر خواهد شد.

توطئه مشترک خان ورژیم

در منطقه کوهدشت فاجعه آفرید

زمین های متصرفی غضنفری در دست داشتند پله های ساختمان های این اداره و آن ارکان را بالا و پایین کردند اما هیچ نتیجه ای نگرفتند. برای مقامات جمهوری اسلامی چیزی جز سند مجهول غضنفری معتبر و برحق نبود. غضنفری با اتکالی این سند و با حمایت مسئولین دولتی زمین های متصرفی را قطعه قطعه کرده و در معرض فروش نهاد. از جمله خریداران این زمین ها کسانی از روستای مجاور - روستای گراوند - بودند. دهقانان رومیانی به خریداران تازه اجازه کشت نمی دادند. و این زمینه ای برای بروز کدورت و اختلاف میان ساکنین این دو روستا گردید که خان و جمهوری اسلامی مسیب و مشوق آن بودند. این اختلاف با تحریکات مسئولین و عوامل خان در منطقه مدام تشدید گردید.

در اسفند ماه دهقانان رومیانی بر آن شدند که این اراضی را شخم و کشت نمایند. مقامات قضایی که حاضر نبودند در برابر غضنفری از آنان حمایت نمایند، این بار مشوقشان گردیدند! از سوی دیگر برای باز پس گرفتن مبالغ پرداخت شده از سوی خریداران گراوندی این زمین ها از غضنفری و جبران خسارات وارده به آنان هیچ اقدامی به عمل نیاوردند و مراجعات خریداران زمین بلا اثر ماند. بدین ترتیب مسئولین دولتی رذیلقه زمین را بگونه ای فراهم ساختند که اهالی دورستار و در روی یکدیگر قرار گیرند.

در روز هفتم اسفند ۶۴ درگیری شکل گرفت که نتایج فاجعه باری داشت.

مامورین ژاندارمری با اینکه در این روز در محل حضور داشتند هیچ اقدامی برای جلوگیری از زد و خورد صورت ندادند و تحت نظارت مستقیم ژاندارم ها زد و خورد گسترش یافت که در نتیجه آن عده ای از دهقانان کشته و مجروح شدند. ژاندارم هاتنها پس از این رویداد فعالانه وارد صحنه شدند و با بهره گیری از این فاجعه خود ساخته، بمنظور ایجاد رعب در میان دهقانان به قدرت نمایی پرداختند و عده زیادی را دستگیر و زندانی نمودند. سپس به خانه گردی وسیعی در این روستا دست زدند و تمامی سلاح هایی را که در دست مردم بود ضبط کردند. همان سلاح هایی که همواره مایه نگرانی ارکان های سرکوب بوده

توطئه ارکان های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و مهندستی خان و مقامات قضایی، در منطقه کوهدشت در روز هفتم اسفند ماه ۶۴ فاجعه ای به بار آورد که به قتل سه دهقان، مجروح شدن تعداد زیادی از آنان و خانه خرابی دو روستای گراوند و رومیانی منجر گردید.

کشاورزان دو روستای هم جوار گراوند و رومیانی تا چندین پیش در کنار یکدیگر کار می کردند و از ستم مشترکی رنج می بردند. در منطقه آنها، منطقه اوشکان که در چهل کیلومتری شهر کوهدشت قرار دارد، محمد حسین غضنفری فئودال بزرگ حکمروایی می کرد. این شخص نماینده برگزیده حزب رستاخیز در مجلس رژیم شاه بود. ساواک، ژاندارمری، شهریانی، دادگستری و دیگر ارگانها و ادارات منطقه در خدمت وی قرار داشتند.

غضنفری با چنین قدرتی بر جان و مال زحمتکش اوشکان مسلط بود. با تصاحب ثمره رنج و کار مردم مدام بر اموال و املاک خود می افزود و علاوه بر این قطعه زمین های کوچک دهقانان را نیز یک به یک تصرف می کرد. در سال ۵۵ گام بزرگی در این جهت برداشت و یک قلم نزدیک به ۵۰۰ هکتار از اراضی روستاییان رومیانی یعنی همه زمین های ۱۲۷ مزار باپا حبیب را به نام خود به ثبت رساند در این اراضی حدود ۶۰۰ خانوار زحمتکش رومیانی کار می کردند و از درآمد ناچیزش امرار معاش می نمودند. دهقانان به این تجاوز گستاخانه اعتراض کردند. با این اعتراض غضنفری از تصرف فوری زمین ها صرف نظر کرد و به دهقانان گفت که قصد تصرف این کشتزارها را ندارد تنها به این خاطر آن را بنام خود ثبت کرد که شخص یک نماینده مجلس با میزان ملک و املاکش سنجیده می شود. اما وی در سال بعد زمین ها را از چنگ دهقانان خارج ساخت و خود به زیر کشت برد و باخ اعتراض دهقانان را با اسلحه ژاندارم هاداد.

پس از بیروزی انقلاب دهقانان روستای رومیانی کوشش های زیادی برای تصرف مجدد کشتزارهایشان انجام دادند. اما هیچیک از مقامات رژیم جمهوری اسلامی گوش شنوایی برای شنیدن شکایت برحق و مستند این کشاورزان زحمتکش نداشتند. رومیانی ها در حالیکه سند مالکیت خود را بر

مصاحبه "اکثریت" با ایندرا جیت گوپتا

نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

اتحاد افشار مختلف کارگری همانا رقابت جوئی های ناسالم اتحادیه های کارگری است.

ایندراجیت گوپتا نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در بخش های دیگر این مصاحبه برخی از مسائل مهم طبقه کارگر را در سطح جهان توضیح داد. ایندراجیت گوپتا مبارزه در راه حفظ صلح را از وظایف اصلی و اولیه جنبش جهانی کارگری نامید و بر این واقعیت تکیه کرد که هم اینک نیز این طبقه در راس جنبش صلح جای دارد. وی ضمن تقبیح مسابقه تسلیحاتی، مداخله جویی و تجاوزگری امپریالیست ها که بویژه در افغانستان، نیکاراگوئه، لیبی و لبنان دیده میشود، گفت رشد این مفسده جوئی ها در بحران های اقتصادی امپریالیسم نهفته است. وی متذکر شد که این بحرانها در عین حال "شرایط عینی برای رشد جنبش کارگری در سطح جهان و اتحاد عمل کارگران را فراهم می آورد" اگر چه عوارض منفی آن باعث بروز برخی تفرقه ها نیز می گردد.

نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری اعلام داشت که "اکنون در کشورهای مختلف فرموله کردن وظایف جنبش جهانی کارگری تحت بحث و بررسی است. نتیجه نهائی این مباحثات در یازدهمین کنگره اتحادیه های جهانی کارگری که در سپتامبر آینده در برلین برگزار می گردد، اعلام می گردد. این کنگره بزرگترین گردهمایی جهانی نمایندگان طبقه کارگر خواهد بود." وی در بخش دیگر این مصاحبه خیر داد که فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری بنای یادبودی در بزرگداشت شهدای طبقه کارگر و رزمندگان صلح در پراک بنا کرده است که در اول ماه مه امسال برده برداری شده است.

در پایان این گفتگو رفیق گوپتا همبستگی کارگران هندوستان را با مردم و طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه "حکومت ستمگانه" خمینی تکرار کرد و خطاب به کارگران ایران گفت "کارگران هند در مبارزه مشترک در راه صلح و دمکراسی برادران طبقاتی شما هستند، از پشتیبانی ما در تمام مواقع مطمئن باشید."

بقیه از صفحه اول
بر این همکاری مشترک بسیاری در دیگر زمینه ها انجام شده است. و این دو تشکل که اصلی ترین مراکز صنفی کارگران هندوستان می باشند. پیرامون مسائل کارگری این کشور مواضع مشترکی اتخاذ می نمایند. اکنون شورای سراسری خواهان ادغام این دو سازمان صنفی در یکدیگر می باشد. رفیق گوپتا اظهار داشت که انجام این ادغام "بر پایه مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه طبقاتی، شناختن برابری حقوق پیروان مذاهب و عقاید متفاوت و اعتقاد به جهانی بودن وحدت طبقاتی کارگران" میتواند صورت پذیرد.

دبیر کل شورای سراسری اتحادیه های کارگری هند تشریح کرد هدف نهائی که این شورا در راه آن کار و مبارزه می کند "ساختن جامعه سوسیالیستی در هند" است و در این راستا دستیابی به اهداف عاجل زیر را هدف قرار داده است "تامین حداقل دستمزد مورد نیاز کارگران، تامین امنیت اجتماعی کافی، ایجاد محل کار برای همه، تضمین حقوق اتحادیه های کارگری، توجه ویژه به وضعیت زنان کارگر و کارگران جوان، دموکراتیزه کردن بخش دولتی و ملی کردن صنایع مهمی که در تملک بخش خصوصی است."

ایندراجیت گوپتا گفت تعداد کارگران هندوستان ۴۵ تا ۵۰ میلیون نفر است. کارگران کشاورزی و دیگر کارگران شاغل در روستاها جز این رقم منظور نشده اند. قریب نصف این تعداد در بخش سازمان یافته مشغول کارند و نصف بقیه در کارخانه ها و کارگاههای کوچک و بخش سازمان نیافته اشتغال دارند. ۲ میلیون تن از کارگران هند در شورای سراسری اتحادیه های کارگری عضویت دارند. بخش اعظم این اعضا را کارگران صنعتی و هم چنین کارگران بقیه سفید تشکیل می دهند.

رفیق گوپتا در تشریح موقعیت مبارزاتی طبقه کارگر هندوستان اظهار داشت "آگاهی طبقاتی طبقه کارگر مند اگر چه پیشرفت بسزائی کرده است، اما هنوز عمدتاً در سطح خواسته های اقتصادی مانده است. جنبش توده ای استوار است. موارد اعتصابات و مبارزات صنفی افزایش چشمگیری یافته است. اما بزرگترین مانع در راه

اخباری از تبریز (بخش آخر)

در مدارس تبریز

یکی از کلاسهای چهارم نظری دبیرستان دخترانه امیرنظام به علت اعتراضات دانش‌آموزان منحل شد.

در این دبیرستان دانش‌آموزان کلاس چهارم تجربی در اعتراض به رفتار یکی از دبیران خود از طریق نمایندگان کلاس موضوع را با مسئولین مدرسه در میان گذاشته و خواهان تعویض وی می‌شوند. دانش‌آموزان دو کلاس دیگر نیز به اینها پیوستند ولی مسئولین به خواست دانش‌آموزان وقتی ننهادند. و چون با پیگیری و اصرار آنان مواجه می‌شوند، یکی از کلاس‌ها را منحل کرده و دو کلاس دیگر را در هم ادغام می‌کنند. مسئولین مدرسه نمایندگان کلاس منحل شده را تهدید به دستگیری می‌کنند و در جواب اعتراض اولیا دانش‌آموزان حمایت دانش‌آموزان از سازمانهای سیاسی انقلابی را علت این واکنش تند خود اعلام می‌نمایند.

دبیر پرورشی مدرسه ایراندخت از دانش‌آموزان خواست در برگزاری مراسم "ده فجر" شرکت نمایند. از مجموع دانش‌آموزان مدرسه تنها ده نفر حاضر به همکاری برای برپایی این مراسم شدند این دبیر پرورشی در یکی از کلاسها به دانش‌آموزان گفته بود: "چرا ما را می‌بینید طوری وانمود می‌کنید که انگار دیو دیده‌اید. مگر ما مثل شما آدم نیستیم. چرا اینقدر از ما دوری می‌کنید؟"

لازم به توضیح است که دبیر پرورشی منتصب امور تربیتی و رابط انجمن اسلامی با آن است.

در روز یکشنبه ۱۲ بهمن دبیرستان دخترانه خمینی را با خاطر برگزاری مانور نیروهای رژیم تعطیل می‌کنند. دختران دانش‌آموز اعتراض کرده و خواستار دایر شدن کلاس درس در این روز می‌شوند. آنها به مسئولین می‌گویند که نمی‌خواهند به خاطر اینگونه مراسم از درس خود عقب بیفتند.

برای چندمین بار پخشنامه‌ای از طرف آموزش و پرورش برای تمامی مدارس دخترانه به منظور تاکید بر لزوم رعایت حجاب دانش‌آموزان حتی در مدارس ابتدایی فرستاده شده است. در پخشنامه ارسالی گفته شده جهت کنترل و نظارت بر اجرای دقیق مفاد آن بازرسانی به مدارس ابتدایی مراجعه خواهند کرد.

در مدارس تبریز نیز مانند دیگر نقاط کشور دانش‌آموزان دختر را وادار می‌کنند که سرکلاس حتی از همدیگر نیز رویگیرند. خانم معلم تعلیمات دینی با حجاب سرتا پاسباه در کلاس حاضر شده و از دختران نیز رومی بگیرد.

به منظور اخاذی از دانش‌آموزان، مسئولین آموزش و پرورش به هر گونه شیادی دست می‌زنند. در همین راستا اخیراً از طرف اداره آموزش و پرورش طرح تشکیل کلاسهای کنکور در برخی از دبیرستانهای شهریه به مورد اجرا گذاشته شده است. از جمله آنها کلاس کنکور دبیرستان خمینی است. در این دبیرستان دانش‌آموزان فقط برای شرکت در کلاس ریاضی که توسط دبیر همان مدرسه اداره می‌شود.

حتی مستخدم و مسئول نظافت برخی مدارس را نیز اخراج کرده‌اند. در مدرسه اختر کلانتری به همین دلیل دانش‌آموزان مجبورند خودشان حیاط مدرسه و کلاس‌ها را نظافت کنند. آنها بارها به مسئولین اعتراض کرده و گفته‌اند مگر واجب است که حقوق و بودجه مستخدم مدرسه را به جیب‌ها بدهند.

در مدرسه راهنمایی "حقوق پسر" حقوق مستخدمین و هزینه نظافت مدرسه را ماهانه از دانش‌آموزان می‌گیرند.

دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه پروین، یکی از بزرگترین مدارس شهر که در خیابان شریعتی ۲ قرار دارد می‌گویند مسئولین آموزش و پرورش قصد دارند این مدرسه را منحل کنند.

در مدارس شبانه و از جمله در دبیرستان نواب صفوی دانش‌آموزانی را که مردودی سه ساله بودند از اوایل دی ماه اخراج کرده و به آنها گفته‌اند که باید برای تعیین تکلیف، خود را به هنگ ژاندارمری معرفی کنند. در این مدارس محصلین دوساله را نیز به مدارس روزانه منتقل کرده‌اند تا با خاتمه سال تحصیلی جاری آنها را نیز به عنوان "مشمول" دستگیر کنند.

هم اکنون در پاره‌ای از مدارس شهر کلاس‌ها به صورت "سه سره" دایر است. علت این امر انحلال ۷۲ باب مدرسه در سطح شهر در آغاز سال تحصیلی بود که در رابطه با تخلیه اماکن استیجاری صورت گرفت.

به دنبال نویسنده شعار "مرگ بر خمینی"

در سطح شهر عده‌ای از طرف سپاه مسئول رنگ کردن شعارهای نوشته شده علیه رژیم هستند. اما با وجود این، "مرگ بر خمینی" در محلات زیاد به چشم می‌خورد. واکنش ناشی از وحشت پاسداران رژیم به هنگام دیدن این شعارگاه بسیار مضحک است.

در اواخر آذر ماه در طبقه سوم بیمارستان خمینی تبریز، "شعار مرگ بر خمینی" را با خون بر روی دیوار نوشته بودند از طرف "سپاه" به محض اطلاع از ماجرا اکیبی برای پیدا کردن نویسنده شعار راهی بیمارستان شد. افراد سپاه پس از ورود به محوطه بیمارستان عملیات ویژه گشت و بازرسی محل را آغاز کردند. آن‌ها ابتدا برای جلوگیری از هرگونه تخریب و نقل و انتقال درهای ورودی و خروجی بیمارستان را قفل کردند. سپس اورژانس و راهروهای بیمارستان را

و جب به وجب مورد بازرسی قرار دادند. عملیات بازرسی و کنترل تا روز جمعه ۲۲ آذر ادامه یافت. در این روز مردمی که برای عیادت بیماران خود از تبریز و یا شهرهای دوردست آمده بودند با درهای بسته بیمارستان روبرو شدند و بی‌آن که بیماران را ملاقات کنند مجبور شدند به شهر خود بازگردند. اعمال مامورین سپاه برای یافتن نویسنده شعار "مرگ بر خمینی" حتی کارهای روزمره بیمارستان را نیز دچار اختلال کرده بود.

به دنبال نوشتن شعارهایی علیه رژیم در قسمت‌های مختلف کارخانه ماشین سازی، مسئولین حفاظت اطلاعاتی تهدید آمیز در محیط کارخانه نصب کرده و اعلام کردند که به زودی نویسندگان شعارها را دستگیر خواهند کرد. کارگران کارخانه در زیر این اطلاعیه و در پاسخ به نویسندگان آن نوشتند: "آیا مسئولین حفاظت از تکه تکه شدن ساواکی‌ها عبرت نگرفته‌اند."

بایستی مبلغ ۲۵۰ تومان پرداخت نمایند.

"شعار مرگ بر خمینی" در مدارس به کرات نوشته می‌شود. دانش‌آموزان می‌نویسند و انجمن اسلامی به روی آن رنگ می‌پاشد. اخیراً که در دبیرستان پسرانه سعدی (تبریز) بر روی دیوار مدرسه با خط درشت و به وسیله ذغال شعار "مرگ بر خمینی" نوشته‌اند، بازرسی بدنی تشدید شد. و حتی لای کتابها را نیز به دقت می‌گشتند و در توجیه آن می‌گویند که دنبال سیکار، نوآر و... هستند.

در دبیرستان دخترانه خمینی (توحید) مدیر مدرسه ضمن سخنرانی درباره "حجاب" با استناد به اطلاعیه اداره آموزش و پرورش که به همه مدارس ارسال شده می‌گوید "اگر خواهران دانش‌آموز حجاب اسلامی را رعایت نکنند بنا به حکم شرع به آنها به عنوان فرد مجرم ۷۴ ضربه شلاق خواهیم زد.

هر روز یک ماشین توپوتا یا چند مامور مسلح کمیته به جلوی درب مدرسه ایراندخت آمده و آنجا کشیک می‌دهند تا پس از تعطیلی مدرسه و خروج دانش‌آموزان به تعقیب آنان بپردازند. آنها به قول خودشان می‌خواهند به این وسیله دخترانی را که حجاب را رعایت نمی‌کنند، دستگیر کنند.

در مدرسه راهنمایی بوعلی در موقع ثبت نام از دانش‌آموزان می‌خواهند که پخشنامه مربوط به رعایت حجاب در مدرسه و بیرون از مدرسه را به صورت فرم تعهدنامه امضا نمایند. از این دانش‌آموزان مبلغ ۱۲۰ تومان به پنهان خرید کتاب اخذ کرده‌اند.

از طرف سازمان انتقال خون اکیبی به مدرسه دخترانه اختر کلانتری می‌رود. تا خون دانش‌آموزان را بکشند و به نیازهای جیبه تخصیص دهند. همین عمل را در مدرسه ایراندخت نیز تکرار کردند. واکنش دانش‌آموزان نا گفته پیداست. احساس آنها نسبت به این تقاضای پشیمانانه نفرت و انزجار بود.

در مدرسه راهنمایی بوعلی و دبیرستان دخترانه امیرنظام اینگونه تقاضاهای پشیمانانه به شکل دیگری تکرار شد. در این دو مدرسه از دانش‌آموزان خواستند که برای جیبه ترشی، مربا و یافتنی تهیه کنند. مسئولین مدرسه تهیه کاموا و پول ترشی را نیز خود تقبل کردند پاسخ دانش‌آموزان همانگونه بود که انتظار می‌رفت.

در دبیرستان دخترانه رسالت (خدمات) به هنگام ثبت نام از هر یک از دانش‌آموزان، مبلغ صد تومان بابت نام‌نویسی دریافت می‌کنند. پس از گذشت مدتی مسئولین مدرسه بار دیگر به پنهان خرید قلم استنسیل، کجج رنگی، رنگ کردن کلاسها از دانش‌آموزان پول طلب می‌کنند که دانش‌آموزان از پرداخت آن خودداری کرده از معاون مدرسه در مورد صد تومانی که هنگام ثبت نام پرداخته‌اند سؤال می‌کنند و او در جواب می‌گوید ۱۰۰ تومان شمارا دادیم به جیبه.

برای صرفه‌جویی به خاطر نیاز مالی جیبه‌ها

افزایش شدید نرخ انشعاب

آب و برق

رژیم برای رهایی از افلاس روز به روز بر قیمت خدمات دولتی، به ویژه آب و برق که مصرف عمومی دارد می‌افزاید.

از اوایل سال گذشته به دنبال افزایش قیمت برق مصرفی، نرخ انشعاب و امتیاز برق برای مصارف خانگی و واحدهای تولیدی و صنعتی یک باره تا صد درصد و حتی بیشتر بالا رفت. مثلا هزینه امتیاز یک کنتور تک فاز ۲۵ آمپری که قبلا حد اکثر ۲۵ هزار ریال بود. به ۴۵ هزار ریال و هزینه انشعاب "برق سه فاز" از ۷۵ هزار ریال به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار ریال رسید و در پی آن در نیمه دوم سال ۶۴ طرحهای برق رسانی به روستاها و واحدهای تولیدی کشاورزی و صنعتی یکی بعد از دیگری متوقف گردید. این اجحافات با اعتراض شدید مردم مواجه شد. رژیم به ناچار در هر اس از گسترش اعتراضات توده‌ای هزینه انشعاب و امتیاز برق را تا حدودی تقلیل داد اما در مورد برق روستاها و واحدهای تولیدی کشاورزی و صنعتی با صدور بخشنامه‌ای به امضای "رنجبر" معاون وزیر اعلام کرد که برق آنها منوط به پرداخت ما به التفاوت قراردادهای منعقد قبلی با تعرفه جدید می‌باشد. بر اساس این تعرفه نرخ انشعاب برق خانگی و تجاری در محلاتی که از وجود "شیکه" برق بی بهره‌اند، ۸۵ هزار ریال است.

خودکفایی

شرکت واحد اتوبوس‌رانی

اخیرا شرکت واحد اتوبوس‌رانی این شهردست به انتشار دفترچه پللیط اتوبوس زده و تبلیغات وسیعی نیز پیرامون این ابتکار خود تحت عنوان "کمک به خودکفایی کشور" به راه انداخته است. اهالی شهر با دیدن تراکتهای تبلیغی شرکت واحد در داخل اتوبوسها و باجه‌های پللیط فروشی از خود می‌پرسند پللیط فروشی شرکت واحد چه ربطی به خود کفایی کشور دارد. در میان "مبتکرین خود کفایی" شرکت واحد صحبت این است که آنان قصد دارند با انتشار این دفترچه‌ها همه باجه‌های فروش پللیط کنار خیابان را بر چیده، نیروی انسانی و بودجه حاصل از آنان را در خدمت "خودکفایی" جبهه قرار دهند.

دستفروش‌ها

از نامه یک شهروند تبریزی

روبروی شعبه اصلی بانک ملی تبریز برای اهالی شهر محلی است آشنا و کمتر کسی است که این محل شلوغ و پر جنب و جوش را نشناسد. در این محل بساط دستفروشان دایر است. دست فروشانی که اغلب آنها را کارگران فصلی تشکیل می‌دهند. این کارگران با تعطیلی کار شرکتهای راه سازی و ساختمانی به امید به دست آوردن لقمه نانی، بساط کوچکی تهیه کرده و برای امرار معاش به این محل می‌آیند. هر از گاهی، مامورین ضریب شهرداری به بهانه‌های مختلف به این محل یورش می‌برند.

آن روز به همراه فرزند خردسالم از این محل می‌گذشتم که با چشم خود هجوم وحشیانه مامورین ضریب را به دستفروشان دیدم. خیر حمله به سرعت در میان بساطی‌ها پیچید. دست فروشان هر آنچه را که داشتند جمع کرده و در صدد اختفای آنها از دید مامورین بودند. مامورین ضریب به همراه خود وادانث نیسانی را در بیمارستان خمینی تبریز

از نامه یک کارمند تبریزی

"... بسیاری از کارکنان بیمارستان خمینی تبریز که از اطراف شهر و نقاط دور از بیمارستان، به محل کاری آیند، از کوچکترین امکانات و سرویس ایاب ذهاب برخوردار نیستند و می‌بایستی ساعتها در صف طویل اتوبوس‌های شرکت واحد منتظر بمانند. حال در نظر بگیرید فردی را که از شهرک امام (خانه‌سازی) که مسافت رفت و برگشت آن بیش از سی کیلومتر است، به بیمارستان مراجعه کند و بعلت نبودن سرویس و کمبود شدید اتوبوسهای شرکت واحد، با هزار زحمت و بسا کمی تاخیر به بیمارستان برسد. چنین شخصی باسبیلی از توبیخ و تنبیه و جریمه و احياناخطر اخراج مواجه می‌شود...

از وقتی که فردی بنام قاسم رفیع به مدیریت بیمارستان منصوب شده، گرفتاری‌های پرستاران و بهیاران و نظافتچی‌ها و کلا همه کارکنان بیمارستان چند برابر گردید. او از همان اولین روز ورودش به بیمارستان بخشنامه‌های تهدید آمیز صادر کرد. این شخص حتی دوتن از کارکنان را زیر مشت و لگد گرفت، آنهم به بهانه "تخلف از مقررات". از جمله اقدامات وی اجباری کردن

نیز آورده بودند تاخرت و پیرت آنها را در آن جا داده و با خود ببرند. مامورین ضریب در اولین بورش ترازو بی رابرداشته و با تمام قوت بر زمین کوبیدند و سپس چرخ دستی‌ها را واژگون کرده، محتوی گونی‌ها و جعبه‌های دست فروشان را در سطح خیابان پخش کردند. آنان ۸ نفر از دست فروشانی را که مقاومت می‌کردند، دستگیر کرده به داخل وادانث نیسان بردند. نهمین نفری را که می‌خواستند دستگیرش کنند راننده یک وادانث یار بود. یکی از مامورین شهرداری درصدد بود هر طور شده ترازوی وی را ضبط کند و راننده وادانث بار سفت و محکم به یک طرف ترازو و چسبیده و مقاومت می‌کرد. بالاخره دست راننده وادانث به شدت زخمی شد و سرتاپایش خونین شد. او با کلوی بغض گرفته خطاب به مامور گفت: "شما از جان ما بدبختها چه می‌خواهید! خجالت بکشید با این چندر غاز درآمد چه خلفکاری از دستم بر می‌آید... هر جا می‌خواهید برویم. مرگ بهتر از این زندگی است."

استفاده از کارت‌های کنترل ورود و خروج برای کارکنان بود. بدنبال این اقدام در اولین روز، صف طویل کارکنان جهت زدن کارت تشکیل شد و موجب شد تا کارکنان که کلافه شده بودند نسبت به این اقدام اعتراض کنند.

روز دوم تعدادی از کارکنان دستگاه تایمر را از کار انداختند. مدیر بیمارستان که این نقشه‌اش نگرفته بود روزهای بعد صبح‌ها برای غافلگیر کردن افرادی که با تاخیر به بیمارستان می‌رسیدند، در دفترنگهبانی "مخفی" میشد. کارکنان هم برای دست انداختن این مدیر چمیزباند از یک فرصت استفاده کردند و یک "دم کاغذی" به پشتش چسباندند. او با آن دم کاغذی واقعا مضحک شده بود. با همان وضعیت در کربدورها می‌گشت و نمی‌فهمید که چرا کارکنانی که از کنارش رد می‌شوند به‌خنده می‌افتند.

در بیمارستان خمینی تبریز علاوه بر بیمارهای عادی همیشه عده زیادی مجروحین جنگی بستری هستند. همه کارها بردوش چند صد کارمند و کارگر قرار دارد که با وجود کار طاقت فرسا حقوق ناچیزی می‌گیرند در آمد بسیاری از کارکنان بیمارستان بویژه بهیاران، نظافتچی‌ها و کارکنان تاسیسات و غیره در مقایسه با هزینه سرام آور زندگی خیلی پایین است.

مردمی که جمع شده بودند به مامورین اعتراض کرده، خواهان آزادی دستگیر شدگان بودند در همین کپرو دار یکی از دستگیر شدگان از پشت "نیسان" بیرون بریده، پایفرار گذاشت. مامورین می‌خواستند وی را تعقیب کنند که مردم جلوی شان را گرفتند.

راه‌پندان شدیدی شده بود و اعتراضات علیه مامورین بالا گرفت هر کس علیه مامورین چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت روز روشن بی‌گناهان مظلوم را دستگیر می‌کنید! ببین در زندان‌ها با جوانان ما چکار می‌کنند. یکی از دستگیر شدگان به پرسش گفت! برو به شهردار فلان و فلان شده بگو که بدهد ما را تیرباران کنند. اینها عجب روشی دارند. نمی‌گذارند حمالی هم بکنیم. دزدی را آقا زاده‌ها می‌کنند، نفت را کوبنی هم به ما نمی‌دهند...

متوجه شدم که بچه خردسالم از شدت تاشر گریه می‌کند. او به من گفت: "بابا چرا آنها را گرفتند. کبریت برداریم بریم شهرداری را بسوزانیم..."

یکی از کارگران که ۱۲ سال سابقه کار دارد، برای من تعریف می‌کرد حقوقش فقط ۲۵۰ تومان است. او می‌گفت، شش بچه دارم که چهار نفرشان به مدرسه می‌روند. هزینه تحصیل بچه‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. ۱۵۰۰ تومان قسط بانک مسکن می‌دهم، ۱۰۰۰ تومان هم برای یک قسط دیگر می‌دهم. تامین خوراک و پوشاک که جای خود دارد... اگر پس از تمام شدن کارم در بیمارستان در پیرون کار نکنم همگی از گرسنگی می‌میریم.

در بیمارستان‌های دیگر هم وضع بهتر از بیمارستان خمینی نیست. شیره جان کارکنان را می‌مکند مردم راهم سر کیسه می‌کنند. هزینه‌های درمانی در بیمارستان‌های دولتی روز به روز افزایش می‌یابد کارمندی از آشنایان من که دست بچه‌اش شکسته بود، برای درمان و کچ گیری او را به بیمارستان شهدا برد. وی می‌گفت، برای یک کچ گیری ساده از من ۹ هزار تومان پول گرفتند. به اورژانس بیمارستان خمینی سفارش اکید کرده‌اند که همه بیماران از توبیدی (شکستگی و در رفتگی‌ها) را به بیمارستان شهدا ۲۹۰ بهمین حواله دهند. چونکه در این بیمارستان‌ها از بیماران پول هنگفتی می‌گیرند. همین چندی پیش در بیمارستان ۲۹ بهمین بابت یک عمل جراحی ساده ۱۵ هزار تومان گرفتند...

حکایات و روایات

مارکوس تولیوس سیسرون
(۱۶۱ تا ۴۳ پیش از میلاد)

مارکوس تولیوس سیسرون، خطیب، سیاستمدار و فیلسوف شهر رومی، در زمان تولیوس سزار و پمپئی، در فرمانروای امپراتوری روم می‌زیست. سزار و پمپئی پس از سال‌ها حکومت مشترک، درگیر جنگ داخلی علیه یکدیگر شدند، همه مردم در برابر لشکرهای طرفین به اردوی یکی از دو فرمانروا می‌گریختند. در این گیرودار، از سیسرون پرسیدند در نظر دارید به کجا بگریزید. او پاسخ داد: "نیک می‌دانم از چه کسی، اما نمی‌دانم به‌تازد چه کسی باید فرار کنم."

سیسرون دارای این استعداد بود که در همه بینکارهای میان بزرگان، جانب طرفی را بگیرد که در نهایت بازنده بود. سیسرون پس از جلدی دولتی، به اردوی پمپئی پیوست. همسر پمپئی، دختر سزار بود.

مناکمی که خطیب به سزار پمپئی رفته بود، پمپئی یا لحنی خشن گفت اگر چه تصمیم سیسرون برای پیوستن به مخالفین سزار خوشحال کننده است، اما خطیب باید بگوید "دلایل" دامادش کجاست. سیسرون پاسخ داد: "تازد پدرت سزار."

قنول روم در آخرین روز دوره انتخاباتی به گذشت. سزار در این گونه امور بسیار خودسرانه عمل می‌کرد، مقام خالی شده را برای چند ساعت به یکی از افراد خود بنام "ریپلوس" داد تا ستای روم، قنول بعدی را انتخاب کند. روز بعد، سیسرون گفت: "ریپلوس قنول بعدی بود، وی در زمان قنولیش حتی یک دقیقه هم نتوانید."

پس از آن که سزار بر تخت حکومت مطلق نشست، نماینده‌ای از شهر "لاادیسیا" به روم رفت تا پارو میان بر سر آزانگلدن، موطنش مذاکره کند. وی پس از ورود به روم، تازد سیسرون رفته و از او پرسید امکان موفقیتش تا چه حد است، و پاسخ شنید: "خرامی دیدم، درست من. فقط وقتی به هدف رسیدی، سعی کن آزادی ما را هم بدست آوری."

و آنها مرا تروریست می‌خواندند

کرده بودم و او تمایل داشت نزد خانواده خود بماند. اما بدلیل وخامت اوضاع، همسرم پذیرفت که میهن خود را ترک کند. به این ترتیب با کشتی رهسپار تونس شدیم. تمام امیدم آن بود که در آنجا به عنوان وکیل مشغول بکار شوم.

چند سال بعد، وقتی اسرائیلی‌ها مقر "ساف" را در تونس بمباران کردند، خواهرم آنجا بود و از ناحیه دست مجروح شد. باخود گفتم که این هشدار جدیدی است.

شب هنگام در خانه بخت مفصلی داشتیم. بعد از تل‌آویو، برشوه، اورشلیم، امان، بیروت، تونس به کجای می‌توانستیم برویم؟

برادر بزرگترم پیشنهاد کرد به تربیولی برویم.

ومن در همین شهر، در روز سه شنبه ۱۵ آوریل ۱۹۸۶ در نتیجه بمباران هواپیماهای آمریکایی کشته شدم.

به نقل از "اومانیته" ۲۶ مه ۱۹۸۶

سربازان سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، یعنی در ماجرای سیتامیر سیاه کشته شد.

پدرم که مهندس شیمی بود، برای کار به یکی از امارات خلیج فارس که بسیاری از مهاجران فلسطینی در آنجا کار می‌کنند، یعنی به کویت رفت.

من همراه مادر، خواهر و سه برادر کوچکم به بیروت پناه بردیم. در آنجا تحصیلات خود را از سر گرفتم.

روز شش ژوئن ۱۹۸۲ صد هزار سرباز اسرائیلی وارد خاک لبنان شدند. سه ماه و نیم بعد، ارتش لبنان دست به کشتار سه هزار فلسطینی بی‌دفاع زد. اکثر آنان را زنان و کودکان و افراد مسن تشکیل می‌دادند.

مادرم به من گفت احتمالاً وقت آن رسیده است که بیروت را ترک کنیم. من قبول نکردم. چون با یک دختر زیبا و جوان لبنانی ازدواج

من در سال ۱۹۶۶ در تل‌آویو بدنیا آمدم.

با شروع جنگ داخلی، بخاطر حفظ امنیت خانواده، به برشوه که عمویم در آنجا زندگی می‌کرد، پناه بردیم.

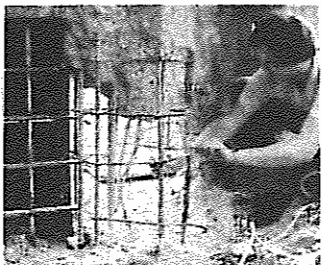
وقتی اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۴۹ برشوه را اشغال کردند، آنجا را ترک گفته و به اورشلیم رفتیم. تا سال ۱۹۶۷ در اورشلیم زندگی می‌کردیم.

من اورشلیم را خیلی دوست داشتم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آنجا گذرانده‌ام. از آنجا خاطرات شیرینی دارم.

در سال ۱۹۶۷، پس از اشغال اورشلیم توسط اسرائیل، من و خانواده‌ام به اردن رفته و در امان مستقر شدیم. سه سال در اردن زندگی می‌کردیم. من در آنجا تحصیل در رشته حقوق را آغاز کردم، ولی متأسفانه موفق با تمام آن نشدم زیرا در سال

۱۹۷۱ ناچار شدیم اردن را ترک کنیم. برادر بزرگم همانجا در جریان درگیری بین مزدوران ملک حسین و

حدس بزنید تروریست کیست



فشار آوردن به مغز خود نخواهد داشت.

عکس مقابل مربوط به حادثه انفجار بمب و سوراخ شدن دیوار زندان "تسله" آلمان فدرال در سال ۱۹۷۸ است. اخیراً فاش شد که این انفجار، کار پلیس مخفی این کشور بوده است. مقامات امنیتی آلمان فدرال مدعی شده‌اند که این کار را برای نفوذ در دستجات تروریست از طریق عامل این انفجار انجام داده‌اند. اما نیروهای دمکراتیک آلمان فدرال معتقدند پلیس این اقدام را به منظور فراهم کردن شرایط تصویب قوانین ضد

دمکراتیک صورت داده است. حزب "سبزها" علیه مقامات مسئول آلمان فدرال و ایالت نیدرزاکسن به جرم "ایجاد دسته اشاره" اقامه دعوی کرده است. این اتهام کاملاً بیجا و منطقی به نظر می‌رسد. کسی چه می‌داند، شاید این دسته اشاره کارهای دیگری هم از این نوع صورت داده باشد. به هر حال، در آینده هر عمل تروریستی فورا انفجار سال ۱۹۸۷ را به یاد ما خواهد آورد و هیچ‌کس برای حدس زدن اینکه تروریست چه کسی است، نیازی به

آمریکای مظلوم و بی‌دفاع

نیکاراگوئه حکومت می‌کنند، برای آمریکا خطر محسوب می‌شوند؟
چ - آخر آنها دست به فعالیت‌های براندازی می‌زنند. مثلاً ببینید چه فعالیت‌هایی علیه ضد انقلابیون دارند.

س - چرا آمریکا اینقدر از نیکاراگوئه می‌ترسد؟

چ - بر مبنای تجربه‌ای که دارد. مگر یادتان رفته است چگونه دو ابر قدرت ویتنام و گرانادا به آمریکا حمله ور شدند.

س - درست، اما بطور مشخص علت این ترس چیست؟

چ - ساندینیست‌ها دارند نقشه یک پرل هاربور تازه را می‌ریزند، منظورم

صلح را به خطر انداخته است؟

چ - البته که نیکاراگوئه!

س - آیا نیکاراگوئه کشور

بزرگی است؟

چ - خیلی بزرگ است

س - آمریکا چپی؟ آمریکا هم

کشور بزرگی است؟

چ - نه، آمریکا یک کشور

مظلوم، بی‌دفاع، بی‌ثواب و کوچولو است

س - آیا آمریکا و نیکاراگوئه با

هم مرز مشترک دارند؟

چ - نه، اما نیکاراگوئه

می‌خواهد از طریق هندوراس، گواتمالا

و مکزیک لشکرکشی کند تا آمریکا را بگیرد.

س - چرا ساندینیست‌ها که بر

واشینگتن به آمریکای مرکزی به

چشم مایملک استعماری خود می‌نگرد.

از همین‌روست که می‌کوشد نیکاراگوئه

انقلابی و صلح دوست را به زانودر

آورد. دستگاه دولتی ریگان در اذهان

عمومی مردم آمریکا و جهان چنان

تصویری از نیکاراگوئه ارائه می‌دهد

که انگار این کشور، کشوری است

که انکار این کشور، کشوری است که امنیت

کشور آمریکا را به خطر انداخته است.

بر اساس این شیوه تبلیغ، ولگانگ

ابرت، یک روزنامه‌نگار اهل آلمان

غربی، مصاحبه‌ای فرضی با یک مقام

آمریکایی به رشته تحریر در آورده

است که خواندنی است،

س - چه کشوری در نیمکره غربی

دماوند

ای دیور سپید پای در بند
از سیم بسر یکی کله خود
تا چشم بشر نبیندت روی
تا واژهی از دم سُتوران
با شیر سپهر بسته پیمان
چون گشت زمین ز جور کردن
بناوخت ز خشم بر فلک مشت
نو مشت درشت روزگاری
ای مشت زمین بر آسمان شو
نی نی تو نه مشت روزگاری
تو قلب فسرده زمینی
تا درد و ورم فرو نشیند
شو منفجر ای دل زمانه
خامش منشین، سخن همی گوی!
پنهان مکن آتش درون را
گر آتش دل نهفته داری
بر زرف دهانت سخت بندی

ای گنبد گیتی ای دعاوند
ز آهن بنیان یکی کمر بند
بنهفته بابر چهر دلیند
وین مردم نحس دیو مانند
با اختر سعد کرده پیوند
سرد وسیه و خموش و آوند
آن مشت تویی تو ای دعاوند
از کردش قرنها یس افکنند
بر ری بناواز شربتی چند
ای کوه ایم ز گفته خرسند
از درد ورم نموده یک چند
کافور بر آن ضعاد کردند
و آن آتش خود نهفته میسند
افسرده مباش، خوش همی خند!
زین سوخته جان شو یکی بند
سوزد جانت، بجانت سو کند
بر بسته سپهر ربو پرفند

من بند دهانت برکشایم
از آتش دل برون فرستم
من این کنم و بود که آید
آزاد شوی و بر خروشی
هرای تو افکنند زلازل
وز برقی تنوره ات بتابد
ور بکشایند بندم از بند
برقی که بسوزد آن دهان بند
نزدیک تو این عمل خوشایند
مانده دیو جسته از بند
از نیشابور تا نهاوند
زالبرز اشته تا بالوند

ای مادر سر سپید بشنو
بر کش ز سر این سپید معجز
یکسرای چو آذهای گرز
ترکیبی ساز بی مایل
آزار و سیر و کازو کو کرد
از آتش آمل خلق مظلوم
ابری بفرست بر سر ری
بشکن در دوزخ و درون ریز
بفکر ز بن این اساس تزدیر
بر کن ز بن این بنا که باید
زین بی خردان سفله بستان
محمد تقی بهار (ملک الشعرا)

استهزای "رزمندگان اسلام"

آن کلمه زیبای "کریمای آیم" را
یکی از برادران به خط بسیار زیبایی
نوشته بود. از راه آهن عازم شدم، در
مسیر عبورم از یکی از خیابانها،
ناگهان از پشت سر متوجه شدم مشغول
تسخیر من هستند. آری آنان به خاطر
این که در پشت لباس جمله "کریمای
می آیم" نوشته شده بود، مرا مسخره
می کردند. برابم زمان سختی بود. در
یک لحظه به یاد حماسه آفرینی لشکر
حق افتادم که چه قهرمانان با آوردن
نام زهرا به قلب سپاه خصم بیورش
می بردند و اینک رزمندگان از خیل
پاران صدیق رهبر را به یاد تسخر و
ناسزا گرفته اند... لذا از رفتن به
مقصد پشیمان شدم و به راه آهن برگشتم
و عازم شهر مشهد شدم...
امضا: حسن - ف"

از نامه یک بسیجی به روزنامه
کیهان ۲۶ خرداد ۱۳۶۵:
"رزمندگان ای هستم از دریای
خروشان
افتخار آفرینان راستین جبهه های خون
و شرافت، آنان که حماسه های عشق و
ایثارشان را به کرات دیده اید، جان
فدای رهبر می کنند و مظلومان شهر و
شهدای جبهه اند. آری، برادرم، از
یکی از نواحی بسیج شهرستان شهید
پرور مشهد طی اعزام کاروان عظیم
راهیان کریمای ۲، به جبهه های نور
علیه ظلمت اعزام شدم و در عملیات
والفجر ۸ شرکت داشتم.
بعد از عملیات در فرصتی که به
دست آمد، با گرفتن مرخصی با قطار از
اهواز عازم تهران شدم. لباس مقدس
بسیجی بر تن داشتم، لباسی که در پشت

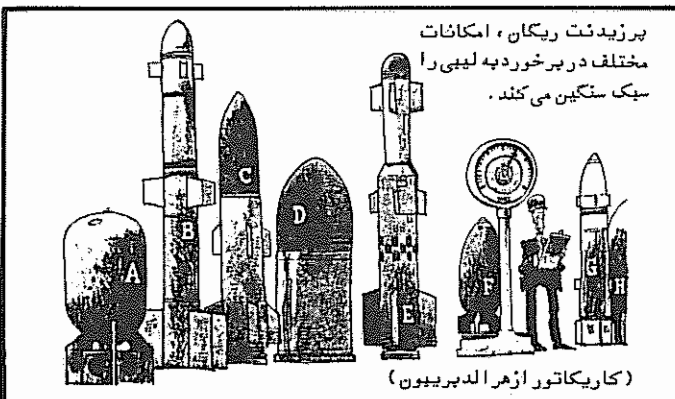
روحیه ضد فتووالی

بر روی پیلهاشان نیز علیه خانها شار
نوشته بودند. منبر موسوی خویینی ها
خیلی طول کشید. او روضه مفصلی
خواند و دست آخر آب پاکی روی
دست پینه بسته دهقانان زابلی
ریخت.
او گفت: "مانه زمینهای
خوانین را مصادره می کنیم و نه آنها را
به زندان می فرستیم، ما آنقدر علیه
آنها شعار می دهیم که دق کنند و
بمیرند!"

دهقانان زابلی با بیورش
خانها مواجه شده اند. آنها بازگشته و
با حمایت کامل ارگانهای حکومتی
زمین های مصادره شده از سوی دهقانان
را از آنها پس می گیرند.
در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۶ موسوی
خویینی ها برای خواباندن مبارزات
دهقانان زابلی به منطقه سفر کرد. او
دهقانان را فراخواند تا برای آنان
بالای منبر بیرون. دهقانان آمدند با
شعارهای ضد زمین داران بزرگ. آنها

اواخر تنها بندر آمریکا را بامین های
زیر آبی خود مسدود کردند و الان
می کوشند با جلوگیری از صدور
محموله های کواکولا کشور ما را به
زانودر آورند.
س - این چند روزه چه اتفاقی
افتاده است که نیکاراکوئه اینقدر
آمریکارا وحشت زده ساخته است ؟
ج - بر طبق آخرین گزارشها، یک
زیر دریایی نیکاراکوئه ای به یک
زیر دریایی آمریکای حمله کرده است.
س - اها! منظورتان این است که
آمریکای مظلوم کوچولوی بینوا
زیر دریایی هم دارد ؟
ج - البته که نه! آن زیر دریایی
فقط یک چیز نمایی بود که ما آنرا از
استودیوی فیلم سازی پواریا در
مونتیخ قرض گرفته بودیم!

حمله زاپنی ها به بندر ما در زمان
جنگ جهانی دوم است. هدف
ساندینستهای این است که لاس و کاس و
همه پایگاههای مستقر در آن را تصرف
کنند. همانطور که می دانید لاس و کاس
قمارخانه های بزرگ و مشهوری دارد.
س - ساندینستها از چه سلاحهایی
استفاده می کنند ؟
ج - آنها خیلی ناقله هستند. اولاً
آنها توی جبهه ها پوست موز
می اندازند تا دشمنهایشان سر بیخورند
و نتوانند پیشروی کنند، از این گذشته
آنها به ست افراد بی دفاع دانه های
قهوه برتاب می کنند که سلاح بسیار
خطرناکی است.
س - آیا این ساندینستها حق و
حقوق بین المللی سرشان می شود ؟
ج - اصلاً و ابداً. آنها همین



(کاریکاتور از هرا الدبیریون)

انتخابات در بنگلادش

در تاریخ هفتم ماه مه امسال، انتخابات پارلمان بنگلادش برگزار شد. ۲۸ حزب و ۱۵۰۰ کاندید برای احزاب ۲۰۰ کرسی پارلمانی بایکدیگر رقابت کردند. مبارزه میان احزاب در برخی حوزه‌های انتخاباتی به درگیری‌های سخت با تلفات زیاد انجامید. همچنین در برخی حوزه‌ها، که شمار آن به ۲۶ رسیده، انتخابات به علت تقلب لغو شد.

صرف برگزاری انتخابات، نتیجه مبارزه سیاسی طولانی میان دولت نظامی و اپوزیسیون بنگلادش بود. دولت ژنرال ارشاد در ماه مارس ۱۹۸۲ طی یک کودتای نظامی به قدرت رسید. در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵، دولت سه بار برای برگزاری انتخابات تاریخ تعیین کرد، اما هر بار به علت مخالفت اپوزیسیون با شرایط دولت، انتخابات به تعویق افتاد. سرانجام بخش‌هایی از خواستهای مخالفین از سوی دولت پذیرفته شد. احزاب قانونی شدند، وزرایی که خود را کاندید نمایندگی پارلمان کرده بودند از سمت‌های دولتی خود کناره رفتند، و ژنرال ارشاد اعلام کرد در مبارزه انتخاباتی دخالت نخواهد کرد. اما مهمترین خواست مخالفان یعنی لغو کامل مقررات حکومت نظامی تحقق نیافت. بدین ترتیب انتخابات در شرایط نابرابری به سود نیروهای طرفدار دولت برگزار گردید.

برگزاری انتخابات با تشدید بحران مزمز اقتصادی و تضادهای اجتماعی، افزایش بیکاری که از ۲۰ درصد تجاوز کرده و کاهش یازم بیشتر سطح زندگی مردم همزمان بود. در چنین شرایطی ۴۸ میلیون نفر واجد شرایط به شرکت در انتخابات فرا خوانده شدند.

مبارزه اصلی میان "حزب ملی" و "اتحاد مردمی" جریان داشت.

"حزب ملی" تنها ۴ ماه پیش از انتخابات به اشاره دولت نظامی تشکیل شد. اگر چه نیروهای مختلف این حزب را تشکیل می‌دهند، اما همه آنها در پشتیبانی از ژنرال ارشاد اشتراک دارند. این حزب توانست با کمک مقامات حکومت نظامی، در ۱۲۲ حوزه از ۲۶۴ حوزه انتخاباتی لغو شده، پیروز شود. انتظار می‌رود شمارش آرا در ۲۰ حوزه دیگر نیز به پیروزی این حزب بیانجامد. بدین ترتیب طرفداران ژنرال ارشاد در پارلمان اکثریت خواهند داشت.

رقیب عده "حزب ملی"، "اتحاد مردمی" بنگلادش بود که از پیر سابقه‌ترین و با نفوذترین احزاب کشور به شمار می‌رود. "اتحاد مردمی" در راس جنگ‌های استقلال طلبانه بنگلادش قرار داشت و علیرغم از دست دادن برجسته‌ترین رهبران خود مانند مجیب الرحمان و تاج الدین احمد که طی کودتاهای ارتجاعی سال

۱۹۷۵ به قتل رسیدند، و علیرغم چندین انشعاب، نیروی دمکراتیک مهمی است. بیکگیری در دفاع از برنامه اصلاحات اجتماعی مرفقی مصوب ۱۹۷۲ و مشی سیاسی خارجی ضد امپریالیستی "اتحاد مردمی"، باعث حفظ و گسترش نفوذ آن در میان مردم شده است. مواضع "اتحاد مردمی"، که اینک دختر مجیب الرحمان رهبری آن را بر عهده دارد، یا تصمیم این حزب دایر بر تشکیل ائتلاف انتخاباتی با حزب چپ و دمکراتیک دیگر، از جمله حزب کمونیست بنگلادش، تقویت گردید. "اتحاد مردمی" تاکنون ۷۰ کرسی به دست آورده است.

حزب کمونیست بنگلادش در ائتلاف انتخاباتی ۸ حزب دمکراتیک، ۹ کاندید معرفی کرده و ۵ کرسی به دست آورد. محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، از جمله انتخاب شدگان است. بنابراین، برای نخستین بار در تاریخ بنگلادش کمونیستها در پارلمان این کشور حضور خواهند داشت. موفقیت حزب کمونیست بنگلادش مدیون مبارزه پیگیر این حزب در راه احقاق حقوق زحمتکشان، احیای کامل شرایط دمکراتیک، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، صلح و همکاری برابر حقوق میان کشورهاست.

سایر احزاب چپ نیز پیروزیهای چشمگیری به دست آوردند. از جمله، دو فراکسیون "حزب ملی خلق" در مجموع به ۷ کرسی دست یافتند.

حمایت رژیم خمینی نیز قرار دارد. (نماینده به مجلس خواهد فرستاد. لازم به یادآوری است که این سازمان از سال ۱۹۷۱ در دوره حکومت مردمی مجیب الرحمان به علت توطئه علیه استقلال کشور ممنوع اعلام شده بود. "حزب ناسیونالیست"، که رهبر آن ژنرال ضیا الرحمان دیکتاتور سابق بنگلادش بود، در انتخابات شرکت نکرد. علت این امر، بی‌اعتباری فرآیندهای این حزب به علت فساد پرملا شده رهبرانش و نیز پیوستن بخش زیادی از نیروهای حزب به "حزب ملی" ژنرال ارشاد بود.

در مجموع، مبارزه انتخاباتی در بنگلادش عناصر جدیدی وارد صحنه سیاسی کشور کرد. انتخابات به ویژه نشان داد که اثر تبلیغات مستمر دیکتاتوری و اقدامات سرکوبگرانه آن علیه نیروهای چپ و دمکراتیک که از ۱۹۷۵ بدین سو بدون وقفه ادامه داشته است، رو به کاهش است. احساسات ضد امپریالیستی در کشور تقویت می‌گردد. جنبش نوده‌ای علیه امپریالیسم پسرکردگی آمریکا رو به گسترش است. در آستانه انتخابات، تظاهرات گسترده‌ای علیه تجاوز آمریکا به لیبی سراسر بنگلادش را فرا گرفت.

تمام شواهد حاکی از آن است که با برگزاری انتخابات در بنگلادش، دور جدیدی از مبارزه نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک این کشور که با چشم اندازهای روشن تری همراه است، آغاز شده است هرچند این تغییر فعلا به حکومت نیروهای راستگرای طرفدار ژنرال ارشاد پایان نداده است.

با مسیح بد نامه‌های خوانندگان

* خواننده گرامی انوشه در هندوستان، از حسن توجه شما به نشریه خرسندیم. در جهت درج مقالات مورد نثر شما در فرصت‌های مناسب اقدام خواهد شد.

* خواننده عزیز ض-غ از آلمان فدرال، متأسفانه امکان ارسال نشریه رایگان برای ما مقدور نیست.

* از دانمارک، مقاله شما را با علاقه‌مندی خواندیم. سعی کنید نوشته‌هایی که برای اکثریت تنظیم می‌کنید، مستند و بر اساس اطلاعات معین باشد. ما منتظر مطالب دیگر شما هستیم.

* از ووپرتال آلمان فدرال، به خاطر ارسال طرحی که با الهام از مقاله "قیم راه قدس..." کشیده‌اید از شما تشکر می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر باز هم طرح‌ها و کاریکاتورهای شمار دریافت کنیم.

داشت و نیز می‌توانست کوتاهتر تنظیم شود. ما منتظر دیگر نوشته‌هایتان هستیم.

رفیق عزیز شریف:
* نامه مهرآمیزی را از ته به همراه سه قطعه شعر به دفتر "اکثريت" رسید. احساس رفیقانه و پاک شما که در لابلای سطور نثر و شعرتان جاری است، می‌ستاییم. ما منتظر نوشته‌های تازه شما هستیم. موفق باشید.

پیروز از آلمان فدرال:
* غزل "اوچ" که شما آنرا سروده‌اید این حسن را دارد که محتوی خود را به زبان شعری و از طریق معیارهای آن بیان می‌کند. در واقع هم همینست. هنر دارای زبان و منطق هنری است. با اینهمه، هنوز هم شما می‌توانید شعر خود را تکامل بیشتری بخشید.

* سپیده سحر از اسپانیا، طرح ارسالی شما را دریافت کردیم. اکثریت از ادامه همکاری شما استقبال می‌کند. لازم است یادآوری کنیم که طرح‌های رنگی برای چاپ در اکثریت مناسب نیست. در چاپ کل قرمز در متن تیره محو خواهد شد. به همه طراحان و نقاشانی که مایلند با ماهمکاری کنند توصیه می‌کنیم حتی المقدور طرح‌ها و نقاشی‌های سیاه و سفید را برای ما بفرستند.

* رفیق بایک از فرارا ایتالیا، تذکر شما بیکگیری و در جهت انجام آن اقدام شد. نسبت به مورد آخری، پس از تدقیق اقدام می‌شود. نامه شما در اختیار مسئولین مربوطه قرار گرفت تا توضیحات لازم را برای شما بنویسند.

* خواننده‌ای از بریتانیا، مطلبی را که با عنوان "آی دژدا" نوشته‌اید احتیاج به کار بیشتری

* رفقای طراح از شهر اسپانیا سوئد، طرح شما رسید. همکاریتان را با ما گسترش دهید.

* دوست گرامی اکبر از آمریکا، عکس ارسالی شما بدستمان رسید. چون پیش از این عکس مشابهی را چاپ کرده بودیم، عکس ارسالی بایکاتی گردید.

* رفیقی از جنوب ایتالیا، ترجمه‌های شما را دریافت کردیم. چارچوبی را که برای انتخاب مقالات برگزیده‌اید، مناسب است. به همکاریتان با ما ادامه دهید.

* رفیق ح- از دانمارک، مثنی که پیرامون برگزاری کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست شوروی تنظیم کرده‌اید، بدستمان رسید. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

کنفرانس مطبوعاتی پیرامون سانحه چرنوبیل

یوگنی ولیخوف، دانشمند برجسته شوروی و معاون رییس آکادمی علوم این کشور، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو به پرسش‌های خبرنگاران پیرامون سانحه نیروگاه اتمی چرنوبیل پاسخ داد. وی گفت مهم‌ترین درسی که باید از واقعه چرنوبیل گرفت، این است که چنین سانحه‌ای، در قیاس با جنگ هسته‌ای تنها یک "آزمایش میکروسکوپی" است. در این کنفرانس مطبوعاتی، اعلام شد تاکنون ۱۷ تن بر اثر عواقب تشعشع اتمی در چرنوبیل درگذشته‌اند و بدین ترتیب، شمار قربانیان حادثه به ۱۹ نفر رسیده است. ولیخوف اظهار داشت بهترین راه پاسداری از خاطره قربانیان این سانحه که جان خود را برای جلوگیری از گسترش آتش و تعدیل سانحه به یک فاجعه نثار کردند، ممنوع کردن سلاح‌های هسته‌ای است.

معاون رییس آکادمی علوم شوروی گفت برای تعیین علل حادثه چرنوبیل، ماه‌ها وقت لازم است. وی افزود آن‌چه تاکنون معلوم شده است این است که احتمالاً یک عمل اشتباه در هنگام نظارت بر کار رآکتور صورت گرفته است و می‌توان گفت اگر چنین اشتباهی صورت نمی‌گرفت، سانحه روی نمی‌داد. ولیخوف تأکید کرد احتمال این که تنها یک اشتباه - حتی بزرگ - باعث سانحه شده باشد وجود ندارد، بلکه ترکیب نامساعدی از تصادف‌ها، به آتش سوزی انجامید.

پلاتفرم انتخاباتی اتحادچپ اسپانیا

در شماره‌های پیشین "اکثریت" خبر توافق حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا پیرامون ایجاد یک ائتلاف انتخاباتی با پلاتفرم مشترک درج گردید. هفته گذشته، جزئیات این پلاتفرم توسط نمایندگان ائتلاف انتخاباتی چپ اسپانیا طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام شد. این ائتلاف که شامل دو حزب نامبرده و نیز شخصیت‌های مستقل می‌گردد، در عرصه سیاست خارجی برای ابتکاراتی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی و نیز علیه نظامی کردن کیهان مبارزه خواهد کرد. در عرصه سیاست داخلی، مبارزه با سیاست‌های اقتصادی محافظه‌کارانه دولت از اهداف اتحاد چپ اسپانیاست. این اتحاد همچنین خواهان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی اسپانیا و برچیده شدن پایگاه‌های آمریکایی از این کشور شده است.

اخبار کوتاه

* میخاییل گارباجف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در ملاقات با یک هیات پارلمانی بریتانیا اعلام کرد پیشنهادهای پیمان ورشودر مورد کاهش سلاح‌های ذی‌هسته‌ای به زودی با تمام جزئیات آن اعلام خواهد شد. گارباجف به بریتانیا پیشنهاد کرد در صورت اقدام این کشور برای از بین بردن پتانسیل تسلیحات هسته‌ای خود، اتحاد شوروی به همان میزان تسلیحات خود را کاهش خواهد داد. اگر بریتانیا با برچیدن سلاح‌های هسته‌ای خارجی از خاک خود موافقت کند، اتحاد شوروی تضمین خواهد داد که سلاح‌هایش به سوی خاک بریتانیا نشانه نروند و هرگز علیه بریتانیا از آن‌ها استفاده به عمل نیاید. رهبر شوروی خواهان مذاکره مستقیم دو کشور در این باره شد.

* دانیل اورتگا، رییس جمهور نیکاراگوئه در بازگشت از اجلاس روسای جمهور پنج کشور آمریکای مرکزی که در گواتمالا برگزار شد، رئیس پیشنهادهای صلح دوستانه کشورش را که به این اجلاس ارائه گردید، تشریح نمود. این پیشنهادها متوجه انجام مذاکرات درباره محدود ساختن، کاهش و محو انواع معینی از تسلیحات در آمریکای مرکزی است. از نکات دیگر این پیشنهادها، قطع مانورهای نظامی با شرکت دولت‌های خارجی و خروج مستشاران نظامی خارجی از آمریکای مرکزی است.

* آمریکا جلوی تصویب قطع‌نامه پایانی "کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا" را که در ژنو جریان داشت گرفت. قرار بود این کنفرانس، قطع‌نامه‌ای درباره مسایل مربوط به تماس‌های انسانی میان کشورهای اروپا صادر نماید. اما ایالات متحده به عنوان تنها کشور مخالف، مانع حصول توافق گردید. در نتیجه طرح قطع‌نامه ارائه شده از سوی کشورهای بی‌طرف اروپا که شامل مواردی نظیر تسهیل در تماس‌های میان اعضای خانواده‌ها، مسافرت، تماس‌های ورزشی و غیره بوده، به تصویب کنفرانس نرسید. این رفتار آمریکا حتی از سوی متحدانش که همگی موافق طرح بودند، مورد انتقاد قرار گرفت.

دانشمند مشهور شوروی خاطرنشان ساخت با گذشت یک ماه از واقعه، دیگر انتظار "پدیده‌های نامنتظر و نامطلوب" از بلوک چهارم نیروگاه که سانحه در آن روی داده، نمی‌رود. ولیخوف، که خود دو هفته در محل حادثه حضور داشته است، گفت اینک ۵ هزار تن شن و دیگر مواد عایق اشعه، بر روی رآکتور ریخته شده و به طور مطمئنی آن را احاطه کرده است. درجه حرارت پیرامون رآکتور، بیش از میزان ایجاد شده بر اثر تابش خورشید نیست. در حوالی رآکتور، قشرهای فوقانی زمین خاک برداری می‌شود و برای کاهش میزان تشعشع در آب‌های روی زمینی و زیرزمینی، برنامه‌هایی در دست اجراست.

ولیخوف گفت: "طبعاً ما همه مسایل را حل نکرده‌ایم، اما همه تدابیر برای جلوگیری از خطرات احتمالی اتخاذ شده است." وی افزود تا حدود یک ماه دیگر، شرایط کار در فضای آزاد در محوطه نزدیک نیروگاه نیز فراهم خواهد شد. پروفیسور ولیخوف اعلام کرد اقداماتی برای افزایش ایمنی نیروگاه‌های هسته‌ای شوروی انجام خواهد گرفت. وی همچنین اظهار داشت تحقیقات شوروی در مورد سایر منابع انرژی نظیر نور خورشید و نیروی باد ادامه دارد و پژوهش‌های این کشور در زمینه ترکیب هسته‌ای (پدیده عکس شکافتن هسته اتم) از همه کشورهای جهان پیشرفته‌تر است.

اشپیکل: قبایل پشتون از حقوق خود دفاع می‌کنند

اخیر خود کژارشی پیرامون مبارزه این قبایل چاب کرده و می‌نویسد هزاران رزمنده پشتون، راه‌های عبور و مرور ضد انقلابیون افغانی را سد کرده‌اند. "اشپیکل" جزئیات قیام "شینواری‌ها" و "افریدی‌ها" علیه رژیم اسلام آباد را به چاپ رسانده و می‌نویسد در جرگه بزرگ قبیله شینواری‌ها که اخیراً برگزار شد، این قبیله تصمیم گرفت به هر قیمت از آزادی‌های سنتی خود در برابر رژیم پاکستان دفاع کند.

مبارزه گسترده قبایل دلیر پشتون علیه دولت نظامی پاکستان و اشرار ضد انقلابی افغانی آن چنان ابعادی یافته است که حتی مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب نیز که مدت‌ها پیرامون چنایات رژیم اسلام‌آباد علیه این قبایل تونگه سکوت را به اجرا گذاشته بودند، به وجود مقاومت قهرمانانه قبایل پشتون اعتراف می‌کنند. هفته‌نامه اشپیکل چاپ آلمان فدرال در یکی از شماره‌های

کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان



در روز چهارشنبه ۲۸ ماه مه، کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان در اولان‌باتور پایتخت جمهوری توده‌ای مغولستان آغاز به کار کرد. در دستور کار کنگره، بررسی برنامه‌های جامع و عظیمی در چارچوب برنامه اقتصادی پنج ساله آتی و نیز برنامه رشد اجتماعی - اقتصادی کشور تا سال ۲۰۰۰، افزایش تولید صنعتی و تولید کشاورزی و نیز ارتقا سطح زندگی مادی و معنوی مردم مغولستان قرار دارد. در کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، نمایندگان احزاب کمونیستی، کارگری و انقلابی از سراسر جهان به عنوان میهمان شرکت دارند.

یک متخصص زن مغول در حین کنترل دستگاه‌های

تاسیسات ماهواره‌ای این کشور

پاتریوت:

دخالت ایران در افغانستان افزایش می یابد

روزنامه پرتیراژ "پاتریوت" چاپ هندوستان در شماره یازدهم ماه مه خود مقاله مفصلي با عنوان فوق به چاپ رسانده است. این مقاله چنین آغاز می شود، "مسئولین حکومت ایران مسبب مدخله جوشی لگام گسیخته در امور داخلی افغانستان هستند. آنها حتی طرحی هم برای تحمیل یک رژیم اسلامی در افغانستان اعلام نموده اند."

پاتریوت سپس می افزاید، "در همان حالی که رهبران ایران برای سرکوب مردم افغانستان اشک می ریزند به سرکوب و زیر پا گذاشتن حقوق مردم خودشان بویژه آزادی های اولیه مردم کرد و دیگر اقلیت های ملی و مذهبی ادامه می دهند. رژیم جمهوری اسلامی همزمان با اعلام این تصمیم که قصد تحمیل حکومتی اسلامی

تنها کبریت سازی ممتاز، از این نظر ممتاز نیست

سندی را که در زیر می بینید، به اعضای مدیر کل دفتر سرمایه گذاری خارج در ایران مزمین است. این سند در واقع نشان می دهد که کار این دفتر که یکی از ارکان وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی است، چیست. این دفتر راه را برای بازگشت سرمایه های خارجی باز می کند و سلطه آنان را تحکیم می بخشد. در این سند نمونه وار می بینیم

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران
شرکت کبریت ستاره ممتاز سهامی خاص

تاریخ ثبت به نام شماره ۲۶۴ مورخ ۶۴/۱/۱۰ شرکت در مورد افزایش سرمایه

۱- سهامداران طی نامه مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۵ ضمن درخواست مجدد برای تجدیدنظر در تصمیم هیات رسیدگی به دعاوی سهامداران خارج کشور، بزرگ پیشنهاد واگذاری سهام، مجموع اقدامات دوشربک ستاره ممتاز را به صورت سهام ۱۰ تا ۱۵ درصد سهام شرکت جدید وادراختیار کرد. مطرح نموده است با داور میبشود که تاکنون این دفتر پیشنهادی سنی بر اقدام دوشربک و تصمیم مشترک سهامداران در این مورد دریافت نموده و منتظر سررسد ضمن سهامداران خارجی و سهامدار ایرانی هنوز توافق در این زمینه حاصل نشده است.

۲- تاخیر به مراتب فوری، حواختمند است نظر شرکت را امرامون پیشنهاد سهامداران خارجی مورد بررسی قرار داده، به همراه دلائل توضیحی، از نتیجه این دفتر را مستحقتر نمائید. لذا خاطر نشان میسازد که به حال این دفتر هرگونه توافق برای خرید سهام خارجی را با رعایت به مفاد بند ۱ فوق الذکر مورد بررسی قرار خواهد داد. ب/

احمد مصطفوی
مدیرکل دفتر سرمایه گذاری خارج در ایران

فراخوان همبستگی با زندانیان سیاسی عربستان سعودی

تن از آنها همچنان در زندان های سعودی به سر می برند. ما این فراخوان را به شما ارسال می داریم به این امید که راه مناسبی برای کاستن از دامنه رفتار خشونت آمیزی باشد که زندانیان شریف ما با آن مواجهند. به عنوان نمونه، زندان انفرادی برای بسیاری از آنها مشکلات جدی جسمی و روانی به همراه داشته است. این گونه رفتار با زندانیان مغایر همه قوانین بین المللی است. علاوه بر این، زندانیان سیاسی از همه تضمین های حقوقی نظیر حق محاکمه شدن به طور علنی و داشتن وکیل مدافع محرومند.

ما همه دوستداران صلح و آزادی خواهان را فرا می خوانیم تا صدای اعتراض خود را علیه سیاست ترور و پیگرد در کشور ما بلند کنند و خواستار آزادی کلیه زندانیان و روشن شدن سرنوشت ناپدید شدگان، از قبیل ناصر السعید که در هفدهم دسامبر ۱۹۷۹ در بیروت توسط عوامل رژیم سعودی ربوده شد، گردند.

این همه تمرکز نیرو در بلوچستان برای چیست؟

رژیم وانمود می کند که منظور از تمرکز این همه نیروی سرکوبگر در بلوچستان، کنترل قاچاق مواد مخدر است. واقعیت ها جز این حکایت ندارند. خود همین نیروهای سرکوبگر متمرکز در بلوچستان، خانها و سردارهای تحت الحمایه رژیم و باندهای ضد انقلابی افغانی دست بالا را در قاچاق مواد مخدر دارند. واقعیت این است که رژیم به قاچاق مواد مخدر، اهمیتی نمی دهد. مایه دغدغه خاطر رژیم گسترش مبارزه خلق بلوچ است. رژیم با تمرکز نیرو در بلوچستان با عنوان جعلی مبارزه با قاچاقچیان، در واقع به خلق بلوچ اتهام روا می دارد. رژیم با تجربه گیری از سرکوب خلق کرد اکنون می خواهد جنبش خلق بلوچ را پیش از آنکه گسترش یابد، سرکوب سازد. تمرکز نیرو در بلوچستان اساسا به این منظور صورت می گیرد.

از سوی، "سازمان عفو بین المللی - عربستان سعودی"، "کمیته دفاع از حقوق بشر در عربستان سعودی" و "کمیته دفاع از آزادی هادر شبه جزیره عرب" خطاب به "همه سازمان های حقوق بشر و نیروهای صلح دوست و آزادی خواه جهان" و از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامه مشترکی ارسال شده است. این سازمان ها طی این نامه بار دیگر خواهان ابراز همبستگی جهانیان با زندانیان سیاسی عربستان سعودی شده اند. "اکثریت" پیش از این نیز در شماره ۱۰۱ گزارشی از وضع زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در عربستان سعودی چاپ کرده بود. در این شماره برای اطلاع خوانندگان، شمای از فراخوان ۱۵ آوریل سازمان های نامبرده رادرج می کنیم، "از آغاز سال ۱۹۸۵ و به علت افزایش ناراضیاتی مردم از شرایط اجتماعی و سیاسی، رژیم سعودی موج دستگیری های تازه ای به راه انداخته که شمار زیادی از افراد در سطوح کوناگون را در بر گرفته است. صدها

چندی پیش، منتظری در دیدار با فرماندهان و مسئولین کمیته ها خطاب به آنها گفت، "با همکاری ژاندارمری و تقویت و حمایت روحانیون متعهد و فداکار یک بسیج نیرو به سمت مرزهای کشور صورت گیرد و ترتیبی اتخاذ شود تا مرزهای کشور از هر نظر تحت کنترل دقیق در آید." (اطلاعات ۱۴/۱/۶۴).

به دنبال این فرمان بسیج، اولین گروه از نیروهای کمیته تحت عنوان "کاروان راهیان نور" در تاریخ ۶۴/۱/۲۹ وارد زاهدان شدند و به تدریج در مرزهای شرقی، بخصوص در قسمت مرز مشترک با افغانستان، مستقر گردیدند.

"همزمان با انتقال نیروهای سرکوبگر بیشتر به بلوچستان و سیستان، نیروی سرکوبگر تازه ای با عنوان "لشکر محمد رسول الله" در بلوچستان و لشکر "علی ابن ابی طالب" در سیستان تأسیس گردید و تلاش شد تا از میان مردم منطقه نیز سر بازگیری شود. این تلاش ناموفق ماند. بسیج نیرو برای دو "لشکر" مذکور علاوه بر بسیج نیرویی است که برای فرستادن نفرات به جبهه های جنگ با عراق صورت می گیرد.

AKSARIYAT
NO. 109
MONDAY JUN 2 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY